

# شيطان

دشمن قسم خورده انسان

البتہ شيطان دشمن شماست،

پس او را دشمن بدانيد؛

او فقط حزبش را به اين دعوت ميکند که اهل آتش سوزان (جهنم) باشند!

(سوره فاطر 6)

**Writer: Harun Yahya**

**Translated by: Khairuddin Ayubzai**

نویسنده کتاب که با نام مستعار «هارون یحیی» آثارش را منتشر میکند، در سال 1956م در آنکارا متولد شده و دارای تحصیلات در رشته هنر و فلسفه از دانشگاه استانبول است. از دهه 1980م، نویسنده کتابهای بسیاری در زمینه‌های سیاسی، مذهبی، و علمی منتشر کرده است؛ اما آنچه وی را به شهرت رسانده است، نگارش آثار بسیار مهمی است که موجب آشکار شدن فریبهای تکاملگرایان گردید و ادعاهای آنان را باطل ساخت و ارتباطات ناپیدای میان داروینیسیم و ایدئولوژیهای خونباری چون فاشیسم و کمونیسم را برملا کرد.

آثار نویسنده در بسیاری از کشورها، از هندوستان تا امریکا، از انگلستان تا اندونزی، از هلند تا بوسنی، و از اسپانیا تا برزیل مخاطبانی یافته است و برخی آثار او به زبانهای انگلیسی، فرانسه، آلمانی، اسپانیایی، ایتالیایی، پرتغالی، اردو، عربی، آلبانی، روسی و... ترجمه شده، در دسترس خوانندگان آن قرار دارد. این آثار که بسیار مورد استقبال خوانندگان در سطح جهان قرار گرفته، باعث گردید که آنها ایمانشان به خداوند را بار دیگر تقویت کنند و بصیرت عمیقتری نسبت به اعتقادات خود بیابند. سبک منطقی، صمیمی و قابل فهمی که این کتابها ارائه میدهند، به آنها ویژگی خاصی بخشیده، تأثیری مستقیم بر خوانندگانش بر جای میگذارد.

آنچنان که گفته شد، کانون اصلی کار نویسنده ردّ مستدل داروینیسیم و ماتریالیسم است که زیر ماسک علمی، به دو افسانه قرن بیستم بدل شده بودند. هدف نویسنده آگاهبخشی به خوانندگان با ترغیب آنها بر این موضوع است که درباره برخی مضامین حیاتی، چون وجود خداوند و یکتایی او بیندیشند و خود با انتشار این اثر، بنیادهای سست و ناتوان و آثار انحرافی نظامهای ضد خدایی را به نمایش گذارده است.

# فهرست مطالب

دشمن قسم خورده انسان

شخصیت شیطان

تاکتیک های شیطان

جوامع جاهل : کسانی که از نفوذ شیطان بی خبر هستند

منافقین : گروه شیطان

شیطان بسیار ضعیف است

## دشمن قسم خورده انسان

شما هرکسی که باشید، یک دشمنی دارید که بسیار خطرناک است، کسی که برای شما عذاب ابدی می خواهد و تمام حیات خود را برای این کار وقف کرده است. این دشمن شیطان لعین است. شیطان کسی است که خداوند "ج" او را لعنت کرد و از حضور خود دور راند و شیطان بزرگترین دشمن شما است. نه او یک افسانه است و نه یک چیز خیالی، بلکه او یک موجود زنده است. و در تمام ادوار تاریخ بشریت موجود بوده. میلیون ها انسانی که در زمین زندگی کرده اند و مرده اند به آرزوهای او تسلیم شده و به آتش انداخته شده اند و کار شیطان همچنین ادامه دارد. او هیچگونه تفاوتی میان انسان ها قایل نیست: جوان یا پیر، مرد یا زن، پادشاه یا گداه... او مخالف تمام بشریت است. او از دور ترصد دارد و پلان های خود را می سنجد، حتی در همین وقتی که شما این کتاب را می خوانید. او فقط یک آرزو دارد: که حد اکثری شما را به دوزخ ببرد. برای اینکه او به هدف خود برسد، این ضروری نیست که مردم او را عبادت کنند یا سایر اعمالی عبودیت را انجام دهند یا مردم وجود خداوند را انکار کنند حتی او خودش این کار را انجام نداده است. یگانه آرزوی شیطان اینست که حتی المقدور انسانها را از حقیقت دین خداوند "ج" دور نگهدارد، طوریکه در قرآن کریم آمده؛ نگذارد تا مردم صادقانه از خداوند "ج" پیروی کنند، در نتیجه، مردم را به عذاب ابدی خداوند "ج" گرفتار کند. حتی بعضی اوقات با استفاده از نام خداوند مردم را گمراه می کند. و تنها همین نیرنگ برای او کافی است تا انسان ها را در دوزخ بیاندازد. او از هر نیرنگ که استفاده کند، دوزخ جای کسانی هست که پیرو راه او هستند. بر او نوشته شده که هر کس ولایتش را بر گردن نهد، بطور مسلم گمراهش مسازد، و به آتش سوزان راهنمایش میکند! (سوره حج، 4)

### طغیان ابلیس در مقابل الله سبحانه و تعالی

در قرآن اصطلاح "شیطان" برای کسانی اطلاق می گردد که تا روز قیامت کوشش خواهند کرد انسان های روی زمین را از راه خداوند "ج" گمراه کنند. جد این تمام شیطان ها "ابلیس" می باشد، ابلیس کسی است که در زمان خلقت آدم علیه سلام در مقابل خداوند "ج" بغاوت کرد. به اساس قرآن کریم زمانیکه خداوند "ج" آدم را خلق کرد به تمامی ملائیک امر کرد تا به این مخلوق جدید سجده کنند و تمام ملائیک از این امر پیروی کردند، اما یگانه کسی که از این امر انکار کرد ابلیس بود او نه تنها انکار کرد بلکه ادعا نمود که او یعنی "ابلیس" بر آدم برتری دارد و قبل از اینکه خداوند "ج" او را از حضور خود دور کند و به زمین فرود آورد از خداوند "ج" خواست که تا روز قیامت برای او مهلت دهد تا انسان ها را با نیرنگ های

مختلف گمراه کرده با خود به دوزخ ببرد، از اینجا بود که دشمنی شیطان با انسان آغاز گردید، قرآن کریم تمام این حقیقت ها را به شکل ذیل بیان می کند:

ما شما را آفریدیم؛ سپس صورت بندی کردیم؛ بعد به فرشتگان گفتیم: «برای آدم خضوع کنید!» آنها همه سجده کردند؛ جز ابلیس که از سجدهکنندگان نبود.

(خداوند به او) فرمود: «در آن هنگام که به تو فرمان دادم، چه چیز تو را مانع شد که سجده کنی؟» گفت: «من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریدهای و او را از گل!».

گفت: «از آن (مقام و مرتبهات) فرود آی! تو حق نداری در آن (مقام و مرتبه) تکبر کنی! بیرون رو، که تو از افراد پست و کوچکی!».

گفت: «مرا تا روزی که (مردم) برانگیخته میشوند مهلت ده (و زنده بگذار!)» .  
فرمود: «تو از مهلت داده شدگانی!».

گفت: «اکنون که مرا گمراه ساختی، من بر سر راه مستقیم تو، در برابر آنها کمین می کنم!».

سپس از پیش رو و از پشت سر، و از طرف راست و از طرف چپ آنها، به سراغشان مبروم؛ و بیشتر آنها را شکرگزار نخواهی یافت!» .

فرمود: «از آن (مقام)، با ننگ و عار و خواری، بیرون رو! و سوگند یاد منکم که هر کس از آنها از تو پیروی کند، جهنم را از شما همگی پر منکم!».

### (سوره اعراف 11-18)

بناءً بعد از اینکه خداوند "ج" شیطان را بیرون راند ، ابلیس کوشش های خود را برای فریب دادن آدم آغاز کرد. اولین مکر او از آن جا شروع شد که آدم علیه سلام را فریب داد، در آن زمان حضرت آدم(ع) و بی بی حوا در جنت بودند، و او در این کار موفق هم شد. این واقعه که آغاز تاریخ بشریت است در قرآن چنین بیان گردیده است:

و ای آدم! تو و همسرت در بهشت ساکن شوید! و از هر جا که خواستید، بخورید! اما به این درخت نزدیک نشوید، که از ستمکاران خواهید بود!»

سپس شیطان آن دو را وسوسه کرد، تا آنچه را از اندامشان پنهان بود، آشکار سازد؛ و گفت: سخله پور و درگارتان شما را از این درخت نهی نکرده مگر بخاطر اینکه (اگر از آن بخورید)، فرشته خواهید شد، یا جاودانه (در بهشت) خواهید ماند!»

و برای آنها سوگند یاد کرد که من برای شما از خیرخواهانم.

و به این ترتیب، آنها را با فریب (از مقامشان) فرود آورد. و هنگامی که از آن درخت چشیدند، اندامشان ( عورتشان) بر آنها آشکار شد؛ و شروع کردند به قرار دادن برگهای (درختان) بهشتی بر خود، تا آن را بپوشانند. و پروردگارش آنها را نداد داد که: «آیا شما را از آن درخت نهی نکردم؟! و نگفتم که شیطان برای شما دشمن آشکاری است؟!»

گفتند: «پروردگارا! ما به خویشان ستم کردیم! و اگر ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی، از زیانکاران خواهیم بود!»

فرمود: «(از مقام خویش)، فرود آید، در حالی که بعضی از شما نسبت به بعضی دیگر، دشمن خواهید بود! (شیطان دشمن شماست، و شما دشمن او!) و برای شما در زمین، قرارگاه و وسیله بهره گیری تا زمان معینی خواهد بود.»

فرمود: «در آن ( زمین ) زنده مشوید؛ و در آن ممیرید؛ و (در رستاخیز) از آن خارج خواهید شد.»  
(سوره اعراف، 19-25)

و داستان دو فرزند آدم را بحق بر آنها بخوان: هنگامی که هر کدام، کاری برای تقرب (به پروردگار) انجام دادند؛ اما از یکی پذیرفته شد، و از دیگری پذیرفته نشد؛ (برادری که عملش مردود شده بود، به برادر دیگر) گفت: «به خدا سوگند تو را خواهم کشت!» (برادر دیگر) گفت: سخله (من چه گناهی دارم؟ زیرا) خدا، تنها از پرهیزگاران میپذیرد! (سوره مائده 27)

از آن وقت به بعد، ابلیس بسیاری از انسان ها را گمراه کرده و آنها را هم ردیف خود ساخته است. سایر جنیاتی که از ابلیس پیروی می کنند نیز در این کار با او همکار هستند و هر آن کسی که در مقابل خداوند "ج" بغاوت کرده و بیرون رانده شده بنام شیطان یاد می شود. معنی لغوی شیطان "دور راند شده و جدا شده" است. طوریکه ابلیس گمراه شد او می خواست با همکارانش یکدست شده (همکاران: یعنی جن وانس) تمام بشریت را گمراه کند و از حقیقت دین دور نگهدارد. بعضی انسان ها که پیروی از شیطان می کنند، امکان دارد دوست نزدیک شما باشد یا کلان یک قوم باشد، با دادن مشوره های شیطانی بسیار به آسانی میتوانند دیگر انسانها را گمراه کنند. برای نجات از گزند شیطان و انسانهای که از شیطان پیروی می کنند، در قرآن کریم برای هدایت انسانها به شکل ذیل دعا آمده:

بگو: پناه میبرم به پروردگار مردم،

به مالک و حاکم مردم،

به (خدا و) معبود مردم،

از شر و سوسهگر پنهانکار،

که در درون سینه انسانها و سوسه میکند،

خواه از جن باشد یا از انسان!

(سوره ناس 1-6)

بخاطریکه شیطان دشمن است و مهارتی خاص در فریب دادن دارد، بناءً برای ما لازم است تا از احتیاط کار بگیریم. اولین پیش شرط اساسی اینست که ما بر موجودیت شیطان باور داشته باشیم. زمانیکه به این حقیقت پی ببریم، برای ما مقصد شیطان که دارای یک منطق بی اساس است واضح می گردد. ریشه منطق شیطان عبارت از غرور و تکبر است و این ریشه در منطق تمام کسانی که از او پیروی می کنند وجود دارد.

### بررسی منطق شیطان

دلیل بغاوت ابلیس در مقابل خداوند "ج" در قرآن کریم به شکل ذیل بیان گردیده است:

(خداوند به او) فرمود: «در آن هنگام که به تو فرمان دادم، چه چیز تو را مانع شد که سجده

کنی؟» گفت: «من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریدهای و او را از گل!» (سوره اعراف 12)

ابلیس بخاطریکه خودرا نسبت به انسان برتر می دانست از تعظیم کردن به او انکار کرد. اما انکار شیطان طوریکه فکر می کرد، بی اساس بود. به نظر ابلیس ، او ساخته آتش است اما انسان از خاک ساخته شده، و آتش بر خاک برتری دارد. به عبارت دیگر، تمام اساس غرور ابلیس بر تفاوت فیزیکی این دو مخلوق بنا شده. اگر ابلیس است یا انسان به هر شکلی باشند، حقیقت اینست، که این هردو را خداوند "ج" خلق کرده. این کاملاً غیرمنطقی است که یک مخلوق، بخاطری اینکه مواد متجانس او (آتش) بر مواد متجانس دیگری (خاک) برتری دارد، درمقابل کسیکه این هردو را خلق کرده ، بغاوت کند. به هر حال ، بخل ابلیس نسبت به انسان و ادعای بی اساس برتری او مانع شده تا او حقیقت را درک نکند و باعث گردید تا ابلیس در مقابل خداوند "ج" طغیان کند. این حقیقت در قرآن کریم به شکل ذیل واضح گردیده است:

**گفت: «من هرگز برای بشری که او را از گل خشکیده‌های که از گل بدبویی گرفته شده است**

**آفریده‌ای، سجده نخواهم کرد!» (سوره حجر 33)**

ابلیس اینرا انکار نمی کند که خداوند "ج" او را خلق کرده است و این دلیل بغاوت او همچنان نیست . برعکس، ابلیس خودش قبول دارد که این خداوند "ج" بود که او را خلق کرد. به هر حال، ابلیس بر این گفته خود بسیار تاکید داشت، "من از هر لحاظ نسبت به آدم توانایی بیشتر دارم؛ "تومرا از آتش خلق کردی و او را از خاک،" ابلیس فقط این کار را به خاطر غرور و تکبری که داشت، انجام داد. اصلاً ایستادگی ابلیس درمقابل خداوند "ج" منطقی نیست. آیه دیگری که راجع به ضعف منطق ابلیس نازل گردیده قرار ذیل است: (به یاد آورید) زمانی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید!» آنها همگی سجده کردند، جز ابلیس که گفت: «آیا برای کسی سجده کنم که او را از خاک آفریده‌ای؟!» (سوره اسراء ، 61)

**گفت: «ای ابلیس! چه چیز مانع تو شد که بر مخلوقی که با قدرت خود او را آفریدم سجده کنی؟! آیا تکبر کردی یا از برترینها بودی؟! (برتر از اینکه فرمان سجود به تو داده شود!)»**

**گفت: «من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل!»**

**(سوره ص 75-76)**

ملاحظاتی شریری، که باعث انکار ابلیس از تعظیم او به حضرت آدم شد، درمیان تمام آن کسانیکه کلمه خداوند "ج" را قبول ندارند، به خوبی مشاهده می گردد، به عبارت دیگر، دربین شیطان های انسی. این ها کسانی هستند که تمامی پیامبران را ، که آن ها هم انسان بودندولی پیامبر، رد نمودند. آنها تاکید نمودند که پیامبر باید نسبت به انسان عادی از توانایی خاصی برخوردار باشد، وادعا داشتند که این برتری یا از لحاظ سیاسی باشد یا مادی. مثال روشن این نوع ادعا را منکرین زمان رسول الله "ص" کرده بودند، طوریکه قرآن ذکر می کند:

**و گفتند: «چرا این قرآن بر مرد بزرگ (و ثروتمندی) از این دو شهر (مکه و طائف) نازل نشده**

**است؟!» (سوره زخرف 31)**

متناباً، منکرین برای اینکه بر پیامبران ایمان بیاورند، برای اثبات خواستند تا شاهد قدرت ماوراءطبیعی از طریق معجزه باشند. مثال های متعددی در قرآن راجع به این خواست ها آورده شده:

و گفتند: «ما هرگز به تو ایمان نمآوریم تا اینکه چشمهجویانی از این سرزمین (خشک و سوزان) برای ما خارج سازی...»

یا باغی از نخل و انگور از آن تو باشد؛ و نهرها در لابهلای آن جاری کنی...»

یا قطعات (سنگهای) آسمان را -آنچنان که مینداری- بر سر ما فرود آری؛ یا خداوند و فرشتگان را در برابر ما بیاوری...»

یا برای تو خانهای پر نقش و نگار از طلا باشد؛ یا به آسمان بالا روی؛ حتی اگر به آسمان روی، ایمان نمآوریم مگر آنکه نامهای بر ما فرود آوری که آن را بخوانیم! «بگو:» منزه است پروردگارم (از این سخنان بپیمانی!) مگر من جز انسانی فرستاده خدا هستم؟!»

(سوره اسراء 90-93)

برای کسانی که با پیامبران مخالفت کردند و علیه آنها جنگ اعلام کردند این همان نکته است که نتوانستند قبول کنند. منکرین نمی توانند کسیکه از جمله آنها است به شکلی یک انسان عادی بحیث یک پیامبر قبول کنند. دقیقاً، این نوع حسادت و بخل برابر است با انکار ابلیس که در مقابل حضرت آدم سجده نکرد. آیه ذیل ارتباط دارد به کسانی که به همین دلیل نتوانستند رستگار شوند:

تنها چیزی که بعد از آمدن هدایت مانع شد مردم ایمان بیاورند، این بود (که از روی نادانی و

بخبری) گفتند: «آیا خداوند بشری را بعنوان رسول فرستاده است؟!» (سوره اسراء 94)

بغاوت ابلیس معمای عجیب و غریب است. بر علاوه اینکه ابلیس خودش از آگاهان حقیقت است، او شاهد قدرت و توانایی و موجودیت خداوند "ج" بود و به خوبی از آتش و عذاب دوزخ با خبر بود. ابلیس بیش از هرکس باید دارای ایمان قوی می بود. درجه آگاهی او باید باعث می شد تا برای ابد فرمانبردار خداوند "ج" می بود. اما ابلیس اعمالی را انجام داد که یک شخص با حداقل آگاهی از حقایق نمی توانست این کار را انجام دهد. غیر عقلانی بودن کارهای ابلیس تنها در اینجا ختم نمی شود، بر علاوه ارتکاب چنین گناه بزرگ، ابلیس از خداوند "ج" هراس هم دارد. این نشان دهنده یک مفکوره بسیار بدی ابلیس است:

کار آنها همچون شیطان است که به انسان گفت: «کافر شو (تا مشکلات تو را حل کنم)!» اما

هنگامی که کافر شد گفت: «من از تو بیزارم، من از خداوندی که پروردگار عالمیان است بیم

دارم!» (سوره حشر 16)

آیه دیگری قرآن نشان می دهد که چگونه شیطان بعد از اینکه منکرین را علیه مسلمین تحریک می

کند، آنها را ترک می کند و برترس از خداوند "ج" اقرار می کند:

و (به یاد آور) هنگامی را که شیطان، اعمال آنها (مشرکان) را در نظرشان جلوه داد، و گفت:

سخنهایم امروز هیچ کس از مردم بر شما پیروز نمگردد! و من، همسایه (و پناهدهنده) شما هستم!» اما



هنگامی که دو گروه (کافران، و مؤمنان مورد حمایت فرشتگان) در برابر یکدیگر قرار گرفتند، به عقب برگشت و گفت: «من از شما (دوستان و پیروانم) بیزارم! من چیزی مسببم که شما نمیبینید؛ من از خدا منترسم، خداوند شدیدالعقاب است!» (سوره انفال 48)

از یک جانب ابلیس موجودیت، قدرت و توانایی خداوند "ج" را قبول دارد و از جانب دیگر آگاهانه بر علیه خداوند "ج" بغاوت می کند که کاملاً این دو امر در تضاد قرار دارند. به طور مشابه، تمام انسانهاییکه اوامر خداوند "ج" را نقض می کنند، طوریکه در قرآن ذکر است، اوامر خداوند "ج" را بر طبق میل و خواسته های خودشان عیار می سازند، مرتکب اشتباه مشابه چون ابلیس شده اند. مثل ابلیس، آنها از موجودیت خداوند "ج" به خوبی واقف هستند اما، کاری می کنند که مشابه کار ابلیس غیر منطقی می باشد. ابلیس بنا بر غرور و تکبر طغیان کرد، خداوند "ج" از طریق بیرون راندن او از حضور خود او را دلیل کرد، اما ابلیس از خداوند "ج" مهلت خواست که تا روز قیامت انسان ها را گمراه کرده از این طریق آنها را دلیل کند. مهلت خواستن ابلیس نه بخاطر اینست که از خداوند "ج" طلب بخشش کند بلکه بخاطر اینست تا هر قدر توان داشته باشد انسانها را هم ردیف خود بسازد و از این طریق انتقام بگیرد. در همین جا است که دشمنی شیطان با انسان آغاز می شود. به هر حال، این نکته را نباید فراموش کنیم که خداوند "ج" شیطان را آفریده است و کار شیطان همیشه تحت نظارت خداوند "ج" می باشد، به عبارت دیگر، شیطان هیچ گونه قدرت مستقل ندارد. حقیقت اینست که شیطان تمام کارهای خود را به اجازه خداوند "ج" انجام می دهد، و جدوجهد انسان در مقابل شیطان خود یکنوع امتحان خداوندی است. مدت زمانی که شیطان از خداوند "ج" درخواست کرده به شکل ذیل در قرآن ذکر است:

**گفت: «پروردگارا! مرا تا روز رستاخیز مهلت ده (و زنده بگذار!)»**

**فرمود: «تو از مهلت یافتگانی!»**

**(سوره حجر 36-37)**

**(سپس) گفت: «به من بگو، این کسی را که بر من برتری دادهای (به چه دلیل بوده است؟) اگر مرا تا روز قیامت زنده بگذاری، همه فرزندانم را، جز عده کمی، گمراه و ریشهکن خواهم ساخت!»**

**فرمود: «برو! هر کس از آنان از تو تبعیت کند، جهنم کیفر شماست، کیفری است فراوان!»**

**(سوره اسراء 62-63)**

طوریکه از آیات مبارک معلوم می گردد، خداوند "ج" برای تمامی کارهای شیطان محدوده تعیین نموده که از آن خارج شده نمی تواند و شیطان از عظمت خداوند "ج" واقف است، وقتی او ادعا می کند که انسانها را گمراه می کند به بزرگی خداوند "ج" قسم می خورد:

**گفت: «به عزتت سوگند، همه آنان را گمراه خواهم کرد، (سوره ص 82)**

قبل از اینکه خداوند "ج" شیطان را بیرون براند، الله سبحانه و تعالی به شکل ذیل اعلام می کند:

هر کدام از آنها را متوانی با صدایت تحريك كن! و لشكر سواره و پيادهات را بر آنها گسيل دار! و در ثروت و فرزندانشان شركت جوی! و آنان را با وعدهها سرگرم كن! -ولی شیطان، جز فریب و دروغ، وعدهای به آنها نمدهد- (سوره اسراء 64)

در صفحات بعدی ما تمام تكتيك های که شیطان به اذن خداوند "ج" از آن کار می گیرد ، تحلیل خواهیم نمود. اما ، نکته کلیدی که نباید فراموش کنیم اینست: شیطان بر علاوه قدرت که خداوند "ج" برایش داده ، چیزی دیگری ندارد. عملکرد شیطان فقط باعث می گردد تا انسانهای که خداوند "ج" برایشان دوزخ تعیین کرده جزا ببینند. کسانی که از شیطان پیروی می کنند شایسته جنتی که خداوند "ج" ساخته نیستند، حتی از حیوانات هم بدتر هستند. خداوند "ج" در قرآن چنین آشکار میکند:

به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم؛ آنها دلها ( عقلها ) بی دارند که با آن (اندیشه نمکنند، و) نمفهمند؛ و چشمانی که با آن نمبینند؛ و گوشهایی که با آن نمشنوند؛ آنها همچون چهارپایانند؛ بلکه گمراهتر! اینان همان غافلاند (چرا که با داشتن همگونه امکانات هدایت، باز هم گمراهند!) (سوره اعراف 179)

بر علاوه، شیطان هیچ گونه تاثیری بر بندگان دیندار خداوند "ج" ندارد. بخاطریکه خداوند "ج" خودش مانع آن می شود، شیطان توانایی اینرا ندارد تا مسلمین حقیقی الله را گمراه کند. خداوند "ج" از تمامی بندگان خود که تقوا دارند و به او تسلیم می شوند، هیچ کس را با خداوند "ج" شریک نمی سازند، درمقابل شیطان محافظت می کند.

چرا که او، بر کسانی که ایمان دارند و بر پروردگارشان توکل میکنند، تسلطی ندارد. (سوره نحل

99)

به همین ترتیب ، رسول الله "ص" نیز در آخرین خطبه خود در باره شیطان چنین فرموده است: بخاطر دین خود از شیطان با خبر باشید. او تمام امید خود را، در باره اینکه شما را در مسایل کلان فریب دهد، از دست داده است، شما در مسایل جزئی از او باخبر باشید. (صحیح بخاری)

در خاتمه، مثل تمامی موجودات ، خداوند "ج" برای شیطان نیز وظیفه داده است. تا این نقش شیطان باعث گردد انسانهایی که برای آنها جنت ساخته شده و آنهایکه برای آنها دوزخ، از هم جدا شوند. آیه دیگری از قرآن آشکار می سازد که فقط بر افراد ذیل شیطان تاثیر دارد:

هدف این بود که خداوند القای شیطان را آزمونی قرار دهد برای آنها که در دلهايشان بیماری است،

و آنها که سنگدلند؛ و ظالمان در عداوت شدید دور از حق قرار گرفتند! (سوره حج 53)

گذشته از این، مشکلاتی که شیطان برای مسلمین خلق می کند، فرصتی است برای مسلمین تا بیشتر

به خداوند "ج" نزدیک شوند و ایمان آنها افزوده شود:

و (نیز) هدف این بود که آگاهان بدانند این حقی است از سوی پروردگارت، و در نتیجه به آن ایمان بیاورند، و دل‌هایشان در برابر آن خاضع گردد؛ و خداوند کسانی را که ایمان آوردند، بسوی صراط مستقیم هدایت مکنند. (سوره حج 54)

## فصل دوم شخصیت شیطان

شیطان بزرگترین دشمن انسان است، و هر انسان هزاران بار در زندگی خود با او رو برو می‌شود. او بخاطری دشمن انسان است، به عقیده شیطان، انسان باعث گردید که او تمام عزت و رتبه خود را نزد

خداوند "ج" از دست دهد. یگانه دلیل که شیطان در روی زمین است اینست که برای او از طرف خداوند "ج" اجازه داده شده تا او انسانها را بدام بیندازد. در جریان همین مدت که برای شیطان داده شده، او از هر وسیله ممکن استفاده خواهد کرد تا انسانها را در آتش دوزخ بیندازد. اکثریت انسانها اصلاً بی خبر از این امر هستند که شیطان به آنها تهدیدی است یا خیر؟ به عقیده این نوع انسانها، شیطان یک چیز خیالی و مبهم است. به نظر آنها تنها کسانی که مرتکب اعمال زشت و جنایات می شوند از شیطان پیروی می کنند. آنها خود را دارای قلب پاک تلقی می کنند، که شیطان هیچگونه تاثیری بر آنها ندارد. اما بر این باور دارند که بعضی اوقات در مسایل جزئی از طرف شیطان دچار وسوسه می شوند. اما داشتن اینگونه مفکوره، یکی از بزرگترین اشتباهاتی می باشد. بخاطریکه، به استثنای بعضی مسلمین معدود، شیطان اکثریت بشریت را کاملاً تحت کنترل خود آورده است، بدون آنکه متوجه باشند، دقیقاً زندگی که شیطان برای آنها آرزو داشت به پیش می برند، در نتیجه باعث می گردد تا آنها را به دوزخ ببرد. پس برای ما لازم است تا کاملاً خود را از شیطان آگاه سازیم و با شیطان مثل دشمن رفتار کنیم. خداوند "ج" اینگونه درسوره فاطر برای ما امر کرده:

**البتة شیطان دشمن شماست،**

**پس او را دشمن بدانید؛**

**او فقط حزبش را به این دعوت میکند که اهل آتش سوزان (جهنم) باشند!**

**(سوره فاطر 6)**

با خبر بودن از شیطان و دانستن راز دشمنی او با انسان اولین اقدام به طرف رستگاری می باشد. در این صورت، اول ما باید مشخصات شیطان و تکنیک های او را شناسایی کنیم. این صفات و یا مشخصات که به تفصیل در آیات قرآن کریم آمده اند دارای عنوان های ذیل می باشد:

**او فریب دهنده و کاذب می باشد**

در قدم اول و بیش از همه، شیطان حقیقت را پنهان نموده تا مانع رستگاری مردم شود. بهترین راه برای انجام این کار، ابلاغ دروغ های فریبنده به مردم است. از طریق وعده ها و وسایل دروغین مردم را هم ردیف خود میسازد. به طور مثال، او به پرستیژ بالا، سرمایه اضافه، زندگی راحت و یا حتی درجه بالا در آخرت، وعده خواهد داد. اما، طوریکه او خودش در آخرت قبول خواهد کرد که تمام وعده های او دروغ بود:

و شیطان، هنگامی که کار تمام میشود، مگوید: «خداوند به شما وعده حق داد؛ و من به شما وعده (باطل) دادم، و تخلف کردم! من بر شما تسلطی نداشتم، جز اینکه دعوتتان کردم و شما دعوت مرا پذیرفتید! بنابر این، مرا سرزنش نکنید؛ خود را سرزنش کنید! نه من فریادرس شما هستم، و نه شما فریادرس من! من نسبت به شرک شما درباره خود، که از قبل داشتید، (و اطاعت مرا همردیف اطاعت خدا قرار دادید) بیزار و کافرم!» مسلماً ستمکاران عذاب دردناکی دارند! (سوره ابراهیم 22)

### او جسور، گستاخ و نا شکر است

شیطان نسبت به خداوند "ج" شدیداً نا سپاس است، کسیکه او را خلق کرد و صاحب این همه کمالات ساخت (سوره اسراء 27)، این نتیجه ناشکری و بی خبری او بود که با خداوند "ج" مخالفت و طغیان کرد.

### او طغیان گر است

یکی از مشخصات دیگر شیطان که در قرآن ذکر است اینست که او طغیان گر است (سوره حج 3، سوره نسا 117)

### نفوذ او در مومنین بی تاثیر است

در اولین نگاه ، دام شیطان و سایر اعمال فریبنده دیگر که برای مسلمین آماده می کند، شاید نیرومند به نظر برسد. اما قضیه برعکس است، بخاطریکه مکروحیله شیطان در حقیقت بسیار ضعیف است و به ناکامی می انجامد.

کسانی که ایمان دارند، در راه خدا پیکار میکنند؛ و آنها که کافرند، در راه طاغوت (بت و افراد طغیانگر). پس شما با یاران شیطان، پیکار کنید! (و از آنها نهراسید!) زیرا که نقشه شیطان، (همانند قدرتتش) ضعیف است. (سوره نساء 76)

### قدرت و توانایی او به حد دچار وسوسه کردن است

شیطان توانایی اینرا ندارد که انسانها را مجبور کند. تنها چیزیکه می تواند اینست تا انسانها را دچار وسوسه کند. این ارتباط می گیرد به خود شخص تا از او پیروی می کند یا رد می کند. به عبارت دیگر ، وقتی یک شخص عملی بدی انجام می دهد او نمی تواند شیطان را ملامت کند. چیزیکه باید محکوم شود تصمیمی است که بر اثر این وسوسه های شیطانی گرفته می شود. شیطان این حقیقت را در روز آخرت برای منکرین بیان خواهد کرد، زمانیکه آنها شیطان را برای اعمال ناشایسته خود مقصر بدانند.

(سوره ابراهیم 22)

## او دشمن انسان است

حقیقت این امر که شیطان بدترین دشمن انسان است در آیات متعددی قرآن کریم روشن گردیده (سوره انعام 142، سوره کهف 50، سوره یاسین 60). دلیل این همه تاکید اینست که در این دنیا ضرریکه از طرف شیطان به انسان متوجه است به مراتب از هرخطر دیگر جدیتر است. آرزوی شیطان اینست که انسان برای ابد در دوزخ بماند و عذاب ببیند. بنا بر همین دلیل او بزرگترین دشمن انسان تلقی می گردد. این همه در آیات ذیل روشن گردیده:

ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید! و از گامهای شیطان، پیروی نکنید! چه اینکه او، دشمن آشکار شماست! (سوره بقره 168)

... چرا که شیطان، دشمن آشکار انسان است! (سوره یوسف 5)

او برانسان ها مثل لکه و داغ باقی می ماند

تاثیر شیطان بر انسان به عنوان "زنگ خوردگی" در قرآن ذکر شده :

و (یاد آورید) هنگامی را که خواب سبکی که مایه آرامش از سوی خدا بود، شما را فراگرفت؛ و آبی از آسمان برایتان فرستاد، تا شما را با آن پاک کند؛ و پلیدی شیطان را از شما دور سازد؛ و دلهایتان را محکم، و گامها را با آن استوار دارد! (سوره انفال 11)

## فصل سوم

### تاکتیک های شیطان

در نتیجه جنگی که شیطان علیه انسان اعلام کرده، او میلیون ها انسان را تا روز قیامت دوزخی خواهد ساخت. اما، تنها یک گروهی که شیطان علیه آن پیروز شده نمی تواند، مسلمین حقیقی اند. دلیل این امر اینست که مسلمین ترس از خداوند "ج" دارند و نمایندگان خداوند "ج" در روی زمین می باشند و همیشه خداوند "ج" آنها را محافظت خواهد کرد. بناءً مکر و حيله شیطان بر مومنین هیچ تأثیری ندارد. این حقیقت، که حتی شیطان خودش قبول دارد، در قرآن به شکل ذیل ذکر شده :

گفت: «پروردگارا! چون مرا گمراه ساختی، من (نعمتهای مادی را) در زمین در نظر آنها زینت مدهم، و همگی را گمراه خواهم ساخت،

مگر بندگان مخلصت را.»

(سوره حجر 39-40)

طوری که از این آیت معلوم می شود، قدرت شیطان نسبت به مسلمین حقیقی بسیار ضعیف است. اما، ما هیچگاهی برای اینکه کی جنت خواهد رفت، پیشبینی کرده نمی توانیم. برای اینکه از ایمان خود محافظت کنیم، قسمی که در قرآن ذکر است "هیچکس از عذاب خداوند"ج" در امان نیست" یک مسلمان همیشه باید "و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت)، چنگ زنید، و پراکنده نشوید! و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دلهای شما، الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید! و شما بر لب حفرهای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار مسازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید. (سوره عمران 103). بخاطریکه شیطان "گفت: اکنون که مرا گمراه ساختی، من بر سر راه مستقیم تو، در برابر آنها کمین می کنم! (سوره اعراف 16)" و باعث لغزش آنها شود (سوره عمران 155) یک مسلمان واقعی همیشه باید در مقابل تاکتیک ها و پلان های شیطان خود را حفاظت کند. در غیر آن صورت، در دام او افتیده و ناآگاهانه از راه داین منحرف خواهد شد.

پس حالا باید هر تاکتیکی که شیطان بخاطر گمراه ساختن انسان استفاده می کند، یک یک و به طور جداگانه بررسی کنیم.

او باعث برانگیختن شک می شود

هر انسان تمام عمر، با شیطان که بزرگترین دشمن او است، مبارزه خواهد کرد. در جریان این جنگ، شیطان از انواع مکرها استفاده خواهد کرد. او هیچگاهی هدف اصلی خود را بر ملا نمی سازد. او مستقیماً نمی آید و نمی گوید "که من شیطان هستم و من می خواهم که تو برای ابد در دوزخ باشی". برعکس، بسیار ماهرانه او حضور خود را پنهان می کند و مخفیانه در قلب ها و سوسه ایجاد می کند. طوری که رسول الله ص فرموده: شیطان مثل خون در بدن انسان جریان دارد. (صحیح بخاری) کسی که از شیطان بی خبر باشد فکر می کند که تمام سوسه های شیطانی ساخته ذهن خودش است. و تمام این سوسه ها برایش حقیقت معلوم می شود از همین لحاظ شیطان به آسانی اکثریتی مردم را تحت کنترل خود می آورد. اما، مسلمانی که از قرآن پیروی می کند میتواند به آسانی این دشمن خود را شکست دهد. به طور اهم، مومن صاحب روشنی است که توسط آن صدای قلب خود و صدای شیطان را تشخیص می دهد. وقتی مسلمان درک واقعی از شیطان پیدا کند، طوری که در قرآن امر شده، به خداوند "ج" پناه می برد. همچنان در قرآن بیان

شده که وسوسه های شیطان هیچگونه تاثیری، بر مسلمانی که همیشه ذکر خداوند "ج" می کند، ندارد. خداوند "ج" در قرآن به شکل ذیل این راز مهم را افشا می کند:

و هرگاه وسوسه های از شیطان به تو رسد، به خدا پناه بر؛ که او شنونده و داناست!  
پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه های شیطان شوند، به یاد (خدا و پاداش و کیفر او) مافتند؛ و (در پرتو یاد او، راه حق را مبینند و) ناگهان بینا مگردند.

### (سوره اعراف 200-201)

بخاطریکه این جهان جای امتحان است، یکنفر شاید با حالات و حادثات مختلف روبرو خواهد شد. اما هر حالتی که باشد، شیطان همیشه در کمین است. کوچکترین ضعفی که در یک مسلمان دیده شود شیطان به خوبی از این فرصت استفاده خواهد کرد. اگر یک مسلمان دارای افکار آشفته باشد و یا خود را در یک وضعیت ناراحت ببیند- پس این نوع تلقی ها نمایندگی از خطاریه که وجدان برایش می دهد می باشد. به طور عاجل از این کارهای خود دست بکشد و تصامیم خود را تجدید نظر کند. ساده ترین شیوه برای او این خواهد بود تا وضعیت خود را آگاهانه تحلیل و تجزیه کند. از این رو ، کارهای خود را با ملاک های ذیل ارزیابی کند:

- آیا درباره چیزیکه آن لحظه فکر می کند با اساسات قرآن مطابقت دارد یاخیر؟
- آیا در ذکر خداوند "ج" غفلت کرده است؟
- آیا او در نگهداشتن خود در حدود قرآن بیش از حد انعطاف پذیر بوده ؟
- آیا پلان های او غیر رضایت خداوند "ج" کدام هدفی دیگری دارد؟
- آیا منافع شخصی او در همان لحظه در مقایسه با دیگر مسلمان ها اهمیت بیشتر دارد؟
- آیا او راجع به خود یا دیگران شک دارد؟
- آیا او در توکل علی الله ناکام شده ؟
- آیا او می خواهد که قربانی شخصی او را دیگران بشناسند؟
- آیا بهانه می پالد تا چیزیکه برایش دوست داشتنی است از دست ندهد؟
- آیا او برای چیزهای دنیوی علاقه بیش از حد دارد؟
- آیا او برای آینده هراس دارد؟
- آیا برای او هشدارهای که در روشنی قرآن داده شده غیر قابل تحمل است؟
- آیا او با دشمن خداوند "ج" دوستی یا پیوند ایجاد کرده؟
- آیا او برای کدام بهانه غیر مشروع نماز نمی خواند یا قرآن تلاوت نمی کند و یا اعمال صالحه انجام نمی دهد؟



اگر او با مشکلاتی که، از وضعیت های فوق سرچشمه گرفته، روبرو است، پس یقین داشته باشد که تحت هجوم شیطان است. تمامی اینگونه افکار که در قلب او وسوسه ایجاد کرده درحقیقت کلمات شیطانی اند.

شیطان درمقابل اشخاص مختلف از تاکتیک های مختلف استفاده می کند. اشخاصیکه کاملاً با اساسات قرآن فاصله دارند، برای اینها از تاکتیک های کار می گیرد که این اشخاص را در غفلت گذاشته بیشتر آنها را در کار های دنیوی مصروف و از حقیقت دین دور نگهدارد.

امام غزالی رح درکتاب خود بنام احیای علوم دین چنین می نویسد: شیاطین و فرشته ها بر سر قلب انسان جنگ دارند، تا زمانیکه یکی از این طایفه ها قلب را اشغال کرده وجایگزین شوندو بیشترین قلب ها به وسیله شیاطین اشغال می شوندکه درقلب آنها وسوسه دنیا دوستی و نظرانداز کردن آخرت را ایجاد می کند.

وقتی مسئله به کسی ارتباط داشته باشد که بتازگی ایمان آورده باشد، شیطان کوشش خواهد کرد تا او را دوباره منحرف سازد، از طریق نگرانی های بی اساس چون ، او از اطرافیان خود دور شده، یا این دین جدید بسیار سخت گیر است، یا اوامر این دین جدید غیر قابل اجرا اند. شیطان درمقابل مومنین نیز فعال است. به طور مثال، یک مسلمان ازدیگر مسلمان رنجیده می شود، یا بخاطر نه خواندن قرآن بهانه مبتذل می کند، که این همه بر اثر وسوسه های شیطان اند. اما، شیطان خودرا زیاد آشکار نمی کند، و او چیزهای چون، "قرآن را نخوانید"، یا " خداوند"ج" را ذکر نکنید" نمی گوید، بخاطریکه شیطان می فهمد این بی تاثیر است. درعوض، هدف او اینست که یک مسلمان را از طریق مصروفیات بی معنی منحرف سازد. بناءً اگر یک مسلمان درمقابل اینگونه نیرنگ های شیطانی تسلیم شود و به وسوسه های او جواب مثبت دهد، دراین صورت آخرت را کاملاً فراموش کرده ومصروف این دنیا می شود. یگانه راهی که مارا از این دام شیطان نجات می دهد شناختن وسوسه های شیطانی وپناه بردن به خداوند متعال می باشد.

شناخت دقیق این نوع حيله ومکر شیطان زمانی ممکن است اگر ما به خوبی از مشخصات و تاکتیک های شیطان با خبر شویم. تنها منبع که ما را به خوبی هدایت کرده می تواند، قرآن است. درصفحات بعدی، ما بکارگیری شیوه های فریبکارانه شیطان را بررسی خواهیم کرد و این همه در قرآن روشن شده.

**اوباعث می شود تا مردم به جزاز خداوند"ج" دیگران را عبادت کنند**

این مسئله که مردم دیگران را به جزاز خداوند "ج" عبادت کنند، در قرآن تشریح شده است. میلیاردها انسانی که به علت این امر دوزخی می شوند، حتی از مفهوم این امر بی خبر هستند. آنها فکر می کنند که مفهوم شریک ساختن کسی دیگر با خداوند "ج" به این معنی است که ما به جزاز خداوند "ج" کسی دیگری را در خلق کردن توانا بدانیم، یا برای کسی دیگری عبادت کنیم. جامعه های که در آن جهالت شیوع پیدا کرده به همین لحاظ دید غیر حقیقی دارند که فکر می کنند فقط با گفتن، "من به خداوند "ج" اعتقاد دارم" یا "من به کسی ضرر نمی رسانم" یا "من فکر نمی کنم که دوزخ بروم"، خلاص می شوند. حقیقت اینست، که اگر ما به جز از خداوند "ج" قوه محافظتی دیگری، ترس از دیگری به جز خداوند "ج"، یا یکنوع محبت خاص با دیگری به جز خداوند "ج"، داشته باشیم، پس به یقین که ما کسی دیگری را با خداوند "ج" شریک ساخته ایم.

اتخاذ رهنمود غیر از رهنمود خداوند "ج"، از معمولترین شکل های شرک است. جامعه های مدرن شیوه جدیدی از شرک را اتخاذ کرده اند، ایدیولوژی های جدید جایگزین ادیان قرن های قبلی شده و مردم به جای خدایان سابقه بنیان گذاران این ایدیولوژی ها را می پرستند. که این همه باعث شده تا مردم از راه حقیقی دین دور شوند.

یقیناً بدترین محرک این انحراف شیطان است. در هر قدمی که انسان از خداوند "ج" دور می شود برای شیطان یک پیشرفتی در پیروزی او بر انسان تلقی می شود. به همین دلیل شیطان اذهان مردمی که با خداوند "ج" کسی دیگری را شریک می سازد، کند می سازد. شرک اشتباهی است که در تمام زندگی انسان نفوذ کرده و مانع می شود تا مردم به درستی استدلال کنند. آنها خود را مطابق میل و خواهشات شیطانی عیار می سازند نه به اساس قرآن و سنت.

آن روز که همه آنها را محشور میکنیم؛ سپس به مشرکان مگوییم: «معبودهایتان، که همتای خدا مپنداشتید، کجایند؟» (چرا به یاری شما نمیشتابند؟!)

سپس پاسخو عذر آنها، چیزی جز این نیست که مگویند: «به خداوندی که پروردگار ماست سوگند که ما مشرک نبودیم!»

ببین چگونه به خودشان (نیز) دروغ مگویند، و آنچه را بدروغ همتای خدا مپنداشتند، از دست مدهند! (سوره انعام 22-24)

یکی از عوامل شرک گمراهی محبت است، محبت احساسی است که با انسان از روز خلقت یکجا است. این احساس که انسان را به خداوند "ج" نزدیک می کند، برعکس، در جامعه های که جهالت شیوع کرده این احساس به هوس شیطانی تبدیل شده باعث دوری انسان از خداوند "ج" می شود. مومنین فقط با خداوند "ج" محبت دارند. این نوع محبت عالیترین شکلی محبت است. آنها وقتی که دیگران را دوست دارند این دوست داشتن بخاطر اینست که خداوند "ج" را دوست دارند. مطابق قرآن، به اندازه که آنها با خداوند

"ج" محبت دارند با هیچ انسانی دیگر در روی زمین ندارند. محبت مومنین برای رضایت خداوند "ج" می باشد، کسانی که براه راست هستند آنها را دوست دارند و کسانی که گمراه هستند دوست ندارند. در نتیجه، محبت مومنین که برای رضایت خداوند "ج" است، عمیق و دیرپا است. در مقابل، محبتی مشرکین سرسری و زودگذر است.

محبت مشرکین برای خداوند "ج" فقط لفظی است. محبتی که آنها برای پدران خود، فرزندان، زنان، پول و رتبه دارند، به مراتب بیشتر از محبت که با خداوند "ج" دارند، می باشد. محبتی که کافران در قلب دارند به شکل ذیل در قرآن بیان شده:

**بعضی از مردم، معبودهایی غیر از خداوند برای خود انتخاب میکنند؛ و آنها را همچون خدا دوست مدارند. اما آنها که ایمان دارند، عشقشان به خدا، (از مشرکان نسبت به معبودهایشان)، شدیدتر است. و آنها که ستم کردند، (و معبودی غیر خدا برگزیدند)، هنگامی که عذاب (الهی) را مشاهده کنند، خواهند دانست که تمام قدرت، از آن خداست؛ و خدا دارای مجازات شدید است؛ (نه معبودهای خیالی که از آنها مهربانند). (سوره بقره 165)**

یکی از اشکالی دیگری شرک در جامعه های بی دین، محبتی بیش از حد با زنان می باشد. اگر محبت کسی با زن بیش از محبت با خداوند "ج" باشد، پس این هوس مساوی است با شرک. خداوند "ج" در قرآن آشکار می سازد که این نوع محبت با زنان یکی از دام های شیطان است:

**آنچه غیر از خدا میخوانند، فقط بتهایی است (ببروح)، که هیچ اثری ندارد؛ و (یا) شیطان سرکش و ویرانگر است. (سوره نساء 117)**

شرک بزرگترین گناه و شدیدترین حد ناشکری می باشد. به همین دلیل خداوند "ج" در قرآن فرموده که او تمام گناهان را می بخشد اما شرک را هیچگاهی نمی بخشد.

**خداوند (هرگز) شرک را نمبخشد! و پایینتر از آن را برای هر کس (بخواهد و شایسته بداند) مبخشد. و آن کسی که برای خدا، شریکی قرار دهد، گناه بزرگی مرتکب شده است. (سوره نساء 48)**

شریک ساختن کسی دیگر با خداوند "ج" آنقدر خطرناک است که حتی این خطر، به کسانی که در عبادت خداوند "ج" محتاط هستند، متوجه است. بخاطریکه اعمال صالحه توسط شرک لغو می شود. به همین دلیل، شیطان از انواع مختلف دام ها استفاده خواهد کرد تا انسانهای عابد را توسط شرک گمراه کند. بعضی اوقات شیطان با استفاده از زنان و یا با استفاده از پول یا هروسیله دیگر مومنین را گمراه میکند. به طور مثال، به تعقیب یک پیروزی، شیطان شخصی را متیقین می سازد که این پیروزی فقط بر اثر او (شخص پیروز) انجام شده. به همین شکل شیطان شخص را متیقین می سازد که او قدرت مستقل از خداوند "ج" دارد. مومنین متوجه باشند تا نشود که تمام اعمال صالحه آنها رد شوند. به همین دلیل در قرآن برای مومنین هشدار واضح داده شده:

به تو و همه پیامبران پیشین وحی شده که اگر مشرک شوی، تمام اعمال تباه میشود و از زیانکاران خواهی بود!

بلکه تنها خداوند را عبادت کن و از شکرگزاران باش!

(سوره زمر 65-66)

او مانع سپاسگذاری می شود

قبل از اینکه شیطان از حضور خداوند "ج" دور شود، او با خود یک تعهد مهم را انجام داد، تعهدیکه یکی از مکارترین تاکتیک های او را نشان می دهد:

سپس از پیش رو و از پشت سر، و از طرف راست و از طرف چپ آنها، به سراغشان میروم؛ و بیشتر آنها را شکرگزار نخواهی یافت!» (سوره اعراف 17)

شیطان آرزو دارد تا مانع سپاسگذاری بندگان از خداوند "ج" شود. دلیل این امر اینست که در قرآن بر سپاسگذاری بسیار تاکید شده است. در حدود 60 آیه به اهمیت سپاسگذاری ارتباط دارد. یکی از اهداف ابتدایی شیطان همین است تا مردم را از این نعمتی، که بارها خداوند "ج" از اهمیت آن یادآوری کرده، محروم کند.

بگو: «چه کسی شما را از تاریکیهای خشکی و دریا رهایی میبخشد؟ در حالی که او را با حالت تضرع (و آشکارا) و در پنهانی میخوانید؛ (و مگویید:) اگر از این (خطرات و ظلمتها) ما را رهایی میبخشد، از شکرگزاران خواهیم بود.»

بگو: «خداوند شما را از اینها، و از هر مشکل و ناراحتی، نجات میدهد؛ باز هم شما برای او شریک قرار مدهید! (و راه کفر میپوید.)» (سوره انعام 63-64)

اما حقیقت اینست که شکر خداوند "ج" را بجای آوردن یکی از مسئولیت های عمده انسانها است. بخاطریکه برای هر انسان درزندگی اش نعمت های بی شمار ارزانی شده و مکلف است تا شکر این همه را بجا کند. این نعمت ها اینقدر بی شمار اند که در سوره نحل آیه 18 بیان شده: اگر کسی بخواهد هم نمی تواند نعمت های خداوند "ج" را حساب کند. درحقیقت، درمقابل هر آن چیزیکه برای ما داده شده شکر بجا کنیم.

نعمت شنوایی و بینایی از نعمت های بزرگ خداوند "ج" است. مقصد خداوند "ج" در خلقت چشم و گوش این بود که این هر دو برای شکر گذاری وسیله باشند. در قرآن چنین بیان شده:

و خداوند شما را از شکم مادرانتان خارج نمود در حالی که هیچ چیز نمیدانستید؛ و برای شما، گوش و چشم و عقل قرار داد، تا شکر نعمت او را بجا آورید! (سوره نحل 78)

به طور مشابه، کشتی ها و سایر وسایل ترانسپورتی، حتی باد و ابحار این ها همه وسایلی اند تا انسان شکر آنرا بجا کند. خداوند "ج" چنین می فرماید:

او کسی است که دریا را مسخر (شما) ساخت تا از آن، گوشت تازه بخورید؛ و زیوری برای پوشیدن (مانند مروارید) از آن استخراج کنید؛ و کشتیها را مبینی که سینه دریا را مشکافند تا شما (به تجارت پردازید و) از فضل خدا بهره گیرید؛ شاید شکر نعمتهای او را بجا آورید! (سوره نحل 14)

و از آیات (عظمت) خدا این است که بادها را بعنوان بشارتگرانی مفرستد تا شما را از رحمتش بچشاند (و سیراب کند) و کشتیها بفرمانش حرکت کنند و از فضل او بهره گیرید؛ شاید شکرگزاری کنید. (سوره روم 46)

خداوند همان کسی است که دریا را مسخر شما کرد تا کشتیها بفرمانش در آن حرکت کنند و بتوانند از فضل او بهره گیرید، و شاید شکر نعمتهایش را بجا آورید! (سوره جاثیه 12)

شکرگذاری یک مومن نسبت به خداوند "ج"، بخاطری نعماتی که برایش ارزانی شده، نشان دهنده این امر است که این مومن سزاوار اینهمه نعمات است. کسیکه شکر خداوند "ج" را بجا می کند درمقابل خداوند "ج" نعمات خود را می افزاید و برای کسیکه ناشکری می کند خداوند "ج" او را هشدار می دهد که در آینده عذاب می بیند:

و (همچنین به خاطر بیاورید) هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت: «اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود؛ و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است!» (سوره ابراهیم 7)

طوریکه حضرت سلیمان (ع) با وجودیکه درجه پیامبری برایش داده شده بود، برای خداوند "ج" همیشه دعا می کرد تا همیشه شکرگذار باشد (سوره نمل 19)، یکنوع مثال برای سایر مسلمانها است. شیطان همیشه کوشش خواهد کرد تا مانع شکرگذاری مردم شود. برای ما لازم است تا نعمت ها را فراموش نکرده همیشه سپاسگذار باشیم.

### او ترس ایجاد می کند

نزدیکی مومنین به خداوند "ج" در ذاتش یکنوع سپر درمقابل شیطان است. تسلیم شدن به خداوند "ج"، ذکر نامهای مقدس او، فهمیدن اینکه هرچیز درجهان تحت کنترل او است و صادقانه به او برگشتن، باعث ثبات روحی انسان ها می شود. شیطان همیشه کوشش خواهد کرد تا این ثبات روحی را درهم زند. یکی از این راه ها ایجاد ترس غیر از ترس خداوند "ج" است. یک دلیل مشخص وجود دارد که چرا شیطان از این

سلاح کار می گیرد. ترس، وسعت آگاهی انسان را محدود، عقیده به خداوند "ج" را ضعیف و باعث توقف در تسلیمی کامل به خداوند "ج" می گردد. این نوع یک وضعیت برای یک مسلمان واقعی غیر ممکن است. شیطان در کسانی نفوذ می کند که دارای ایمان ضعیف باشند و کسانی که غافل باشند و یا اذهان آنها کاملاً بر روی حقیقت بسته باشند. یک آیه از قرآن چنین بیان می کند که ترس باید تنها در مقابل خداوند "ج" باشد:

**این فقط شیطان است که پیروان خود را (با سخنان و شایعات بیاساس،) متراساند. از آنها نترسید!**

**و تنها از من بترسید اگر ایمان دارید! (سوره آل عمران 175)**

برای مومنین، این جهان جای موقتی است. بنهائاً ترس تنها از کسی داشته باشیم که پادشاه این جهان باشد، یعنی خداوند "ج". کسانی که مومن نیستند، جهان را یکجای غیرکنترل شده، جای واقعات تصادفی، تلقی می کنند. بنهائاً شیطان به آسانی در قلب اینگونه اشخاص ترس ایجاد می کند. آنها بخاطریکه ترس از مرگ، آینده و فقر دارند دارای خدایان مختلف می باشند. این سلاح شیطان که "ترس" است تنها بر کسانی تاثیر دارد که دارای قلب های مریض اند. حالت روانی افرادی که در جنگ وحشت زده شده اند، در قرآن چنین بیان شده:

**کسانی که ایمان آورده اند مگویند: «چرا سوره های نازل نمیشود (که در آن فرمان جهاد باشد)؟!»**

**اما هنگامی که سوره واضح و روشنی نازل میگردد که در آن سخنی از جنگ است، منافقان بیمار دل را مسببی که همچون کسی که در آستانه مرگ قرار گرفته به تو نگاه میکنند؛ پس مرگ و نابودی برای آنان سزاوارتر است! (سوره محمد 20)**

کسیکه به خداوند "ج" تسلیم شده به تقدیر اونیز تسلیم شده و کاملاً به او باور دارد، او کاملاً بی ترس است، به جز خداوند "ج" از هیچ کسی دیگر نمی ترسد.

چیزی که در اینجا نباید فراموش شود، اینست که جرات شخص با ایمان از جرات کافر فرق دارد. این وضعیت از جای سرچشمه می گیرد که یک شخص کاملاً به خداوند "ج" اعتماد داشته و به تقدیر او تسلیم باشد. چندین مثال از جرات مسلمین در قرآن ذکر شده است. زمانیکه موسی (ع) با پیروان خود بین بحر و لشکر فرعون گیر ماندند، کسانی که دارای ایمان ضعیف بودند فکر کردند که دیگر فنا می شوند. اما، حضرت موسی (ع) چنین نصیحت کرد "هیچگاه! با من خداوند "ج" است" (سوره شورا 62)، او کاملاً به خداوند "ج" تسلیم و تنها به او اعتماد کرد. جادوگرانی که توسط فرعون با قطع کردن دستها و پاهایشان تهدید شده بودند، بخاطریکه به خداوند "ج" ایمان داشتند، بی ترسی مشابه از خود نشان دادند. زمانیکه ابراهیم (ع) به آتش انداخته شد، هیچ گونه ترسی نداشت. ایمان و تسلیمی مومنین قسمیکه در سوره احزاب آمده، زمانیکه

با نیروهای دشمن روبرو شوند افزایش می یابد. این بخاطری است که حيله و مکر شیطان بر کسیکه به خداوند "ج" تسلیم شده هیچ تاثیری ندارد. طوریکه در قرآن ذکر شده:

**چرا که او، بر کسانی که ایمان دارند و بر پروردگارشان توکل میکنند، تسلطی ندارد.**

**(سوره نحل 99)**

او کوشش می کند تا روابط بین مسلمین را آسیب رساند

در قرآن برای مسلمین امر شده تا یکدیگر را کمک و حمایت کنند. اتفاق لازمه که در بین مسلمین باید تقویت شود در قرآن به شکل ذیل بیان شده:

**خداوند کسانی را دوست مدارد که در راه او پیکار میکنند گویی بنایی آهنیناند! (سوره صف 4)**

شیطان همیشه کوشش خواهد کرد تا مومنین این امر مهم (اتفاق) را نادیده بگیرند. شیطان همیشه کلمات زشت را در قلب مومنین تلقین می کند تا با گفتن آنها مومنین را از یکدیگر رنجیده کنند و بین آنها تفرقه بیندازد. طوریکه رسول الله (ص) فرموده: "خشم و برافشفتگی از شیطان است" (ابو داوود). به همین دلیل برای مسلمین در قرآن امر شده تا برای یکدیگر کلمات شایسته استفاده کنند و از شیطان که دشمن آنها است با خبر باشند:

به بندگانم بگو: «سخنی بگویند که بهترین باشد! چرا که (شیطان بوسیله سخنان ناموزون)، میان آنها فتنه و فساد میکند؛ همیشه شیطان دشمن آشکاری برای انسان بوده است! (سوره اسراء 53)

شیطان میخواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند، و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد. آیا (با این همه زیان و فساد، و با این نهی اکید)، خودداری خواهید کرد؟! (سوره مائده 91)

او می خواهد مردم باورکنند که او برای آنها یک مشاور مخلص است

شیطان برای انسان بربادی مداوم می خواهد درحالیکه او هیچگاهی این دشمنی خود را آشکار نمی سازد. برعکس، او به شکل یک همکار برای او نزدیک می شود، او به شکل یک مشاور خود را نشان می دهد. زمانیکه شخص بر این باور کند که او نیت خوب دارد در این وقت است که او را تحت کنترل خود می آورد. هر آن وقتیکه ضعف آن شخص برایش معلوم شود به مکر و حيله از آن استفاده می کند. مکر و حيله مشابه شیطان باعث گردید تا حضرت آدم (ع) اشتباه کند و از جنت بیرون شود. شیطان به شکل یک دوست به حضرت آدم (ع) و بی بی حوا آمد و قسم خورد که برایشان مشوره خوبی می دهد:

سپس شیطان آن دو را وسوسه کرد، تا آنچه را از اندامشان پنهان بود، آشکار سازد؛ و گفت: سخلهپروردگارتان شما را از این درخت نهی نکرده مگر بخاطر اینکه (اگر از آن بخورید،) فرشته خواهید شد، یا جاودانه (در بهشت) خواهید ماند!»  
و برای آنها سوگند یاد کرد که من برای شما از خیرخواهاتم.

(سوره اعراف 20-21)

شیطان باعث شد تا حضرت آدم (ع) و بی بی حوا از جنت بیرون شوند. یگانه راهی برای بازگشت حضرت آدم (ع) این بود تا از خداوند "ج" طلب مغفرت کند. شیوه که، حضرت آدم (ع) با وجود هشدار های خداوند "ج" که شیطان دشمن انسان است از جنت بیرون شد، نشان دهنده اینست که چقدر شیطان چالاک و فریب کار است.

جامعه های امروزی که از راه حقیقت دور شده اند با حيله های مشابه شیطان روبرو هستند. برای کسیکه می خواهد با اساسات دین زندگی کند شیطان چنین مشوره می دهد، "تا حالی جوان هستی، از زندگی لذت ببر، هرزمانیکه پیر شدی عبادت کن،" مثال روشن دیگر است. درحقیقت، اگر این راهی را او تعقیب کند منزلش دوزخ است.

برای کسانیکه، بر اثر مکر شیطان از راه راست گمراه شده اند، قرآن مکرشیطان را چنین بیان می کند:

بگو: «آیا غیر از خدا، چیزی را بخوانیم (و عبادت کنیم) که نه سودی به حال مال دارد، نه زیانی؛ و (به این ترتیب،) به عقب برگردیم بعد از آنکه خداوند ما را هدایت کرده است؟! همانند کسی که بر اثر وسوسه های شیطان، در روی زمین راه را گم کرده، و سرگردان مانده است؛ در حالی که یارانی هم دارد که او را به هدایت دعوت میکنند (و میگویند:) به سوی ما بیا!» بگو: «تنها هدایت خداوند، هدایت است؛ و ما دستور دادیم که تسلیم پروردگار عالمیان باشیم. (سوره انعام 71)

هرکس باید از احتیاط لازم کار بگیر تا با این دشمن مقابله کند. اما، تنها و تنها کسی می تواند که به شکل مداوم ذکر خداوند "ج" را انجام دهد. این نوع اشخاص به آسانی مشوره های شیطانی را تشخیص می دهند. اما کسیکه از یاد خداوند "ج" غافل باشد فکر می کند که این مشوره ها مربوط خودش است و به دام شیطان می افتد.

او با استفاده از نام خداوند "ج" مردم را گمراه می کند



یکی از تاکتیک های مکار شیطان اینست که مردم را با استفاده از نام خداوند "ج" بی راه می کند. مردم را تشویق می کند تا کارهای به نام دین انجام دهند، درحقیقت، این کارهای اند که مقبول خداوند "ج" نیستند. شخصیکه به این شکل بازی می خورد فکر می کند که در راه خداوند "ج" جهاد می کند اما درحقیقت کارهایش بخاطر تمایلات شخصی او می باشد. به عنوان مثال، شخصیکه می خواهد در جای جهاد کند که هم کافر زیاد باشد و هم منافع مادی، اگرچه، می خواهد وظیفه دینی خود را انجام دهد در عین زمان او این وظیفه را بیشتر بخاطر تمایلات شخصی خود انجام می دهد. درحالیکه بسیاری اوقات استفاده از مادیات کاملاً مشروع است، اما، شیوه انجام او درست نیست. در این صورت، در ابتدا کار او بخاطر منفعت رساندن به اسلام بود، اما از راه منحرف شده و هدف او به دسترسی به منافع مادی تبدیل شده است. او ظاهراً قسمی عمل می کند که در حدود خداوند "ج" کار می کند، اما در قلب بخاطر ارضای خواهشات نفسانی خود کار می کند نه بخاطر رضای خداوند "ج". در این صورت، نه تنها کدام اجری بخاطر اعمال خود حاصل نمی کند، بلکه ایمانش نیز ضعیف می شود (والله اعلم). در مثال ما، شیطان با استفاده از نام خداوند "ج" شخص را گمراه و از اجر آخرت نیز محروم کرده:

**ای مردم! وعده خداوند حق است؛ مبادا زندگی دنیا شما را بفریبید، و مبادا شیطان شما را فریب دهد و به (کرم) خدا مغرور سازد!**

البته شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن بدانید؛ او فقط حزبش را به این دعوت میکند که اهل آتش سوزان (جهنم) باشند! (سوره فاطر 5-6)

این نوع اشخاص که درحقیقت هدفشان دسترسی به مادیات است، و این کار را به نام خداوند "ج" انجام می دهند، اینها کسانی اند که از جمله منافقین حساب می شوند، در قرآن چنین ذکر است:

آنها را صدا میزنند: «مگر ما با شما نبودیم؟!» مگویند: «آری، ولی شما خود را به هلاکت افکندید و انتظار (مرگ پیامبر را) کشیدید، و (در همه چیز) شك و تردید داشتید، و آرزوهای دور و دراز شما را فریب داد تا فرمان خدا فرا رسید، و شیطان فریبکار شما را در برابر (فرمان) خداوند فریب داد! (سوره حدید 14)

این تاکتیک شیطان هم ماهرانه است و هم فریبکارانه. اما، کسانی که ترس واقعی از خداوند "ج" دارند هیچ گاهی در این دام نمی افتند. کسانی که از خداوند "ج" ترس دارند برای آنها راه روشن را نشان می دهد تا خوب را از بد تفکیک کنند:

ای کسانی که ایمان آوردهاید! اگر از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، برای شما وسیلهای جهت جدا ساختن حق از باطل قرار میدهد؛ (روشنبینی خاصی که در پرتو آن، حق را از باطل خواهید شناخت؛) و گناهانتان را میپوشاند؛ و شما را میزمرزد؛ و خداوند صاحب فضل و بخشش عظیم است!

## (سوره انفال 29)

یکی از تاکتیک های دیگری شیطان که از نام خداوند "ج" استفاده می کند اینست که مردم را با خاطریکه خداوند "ج" لک بخش است، هرچه بیشتر به ارتکاب گناهان تشویق می کند. بدون شک خداوند "ج" هرکسی را که از صدق دل طلب مغفرت کند می بخشد. اما، اگر کسی به این فکر باشد که خداوند "ج" می بخشد و بعداً مرتکب گناه شود، پس دقیقاً گمراه شده است. بر اثر همین مفکوره قلب او سخت شده، بی احساس می شود و در نتیجه ترس خداوند "ج" را از دست می دهد. راجع به کسانی که آگاهانه مرتکب گناه می شوند، باگفتن، "ما بزودی بخشیده می شویم"، (سوره اعراف 169) قرآن این مکر شیطان که استفاده از نام خداوند "ج" است، به خوبی روشن می کند.

### او کوشش می کند تا روحیه مومنین را ضعیف سازد

شیطان همیشه منتظر این امر است که یک مومن در دل خود شک پیدا کند، و شیطان با انواع فریبکاری ها آنها را گمراه کند:

کسانی که در روز روبرو شدن دو جمعیت با یکدیگر (در جنگ احد)، فرار کردند، شیطان آنها را بر اثر بعضی از گناهانی که مرتکب شده بودند، به لغزش انداخت؛ و خداوند آنها را بخشید. خداوند، آمرزنده و بردبار است. (سوره عمران 155)

### او وعده های دروغین می دهد

یکی از تاکتیک های دیگر شیطان وعده های دروغین است که اگر یک مومن به آن باور کند آخرت خود را از دست می دهد.

چیزیکه در این وعده ها مشترک است موقتی بودن آن در این دنیا است. شیطان وعده سرگرمی، روابط جنسی، موفقیت و حیثیت را می دهد. او کلمات چون "ظاهریا و فریبنده" (سوره انعام 112) را در انسانها تلقین می کند. هدف هرچیزیکه باشد، کسانی که پیروی از شیطان می کند بدون شک در تقدیر آنها دوزخ نوشته است. این حقیقت در قرآن به شکل ذیل بیان شده:

شیطان به آنها وعدهها (ی دروغین) میدهد؛ و به آرزوها، سرگرم مسازد؛ در حالی که جز فریب و نیرنگ، به آنها وعده نمدهد. (سوره نساء 120)

و شیطان، هنگامی که کار تمام میشود، مگوید: «خداوند به شما وعده حق داد؛ و من به شما وعده (باطل) دادم، و تخلف کردم! من بر شما تسلطی نداشتم، جز اینکه دعوتتان کردم و شما دعوت مرا پذیرفتید! بنابر این، مرا سرزنش نکنید؛ خود را سرزنش کنید! نه من فریادرس شما هستم، و نه شما فریادرس من! من نسبت به شرك شما درباره خود، که از قبل داشتید، (و اطاعت مرا همردیف اطاعت خدا قرار دادید) بیزار و کافرم!» مسلماً ستمکاران عذاب دردناکی دارند! (سوره ابراهیم 22)

اما، کسیکه همیشه خواهان رضایت، رحمت، محبت و جنت خداوند "ج" باشد، به هیچ نوع وعده های شیطانی که بخاطر چیزهای موقتی این جهان است، بازی نخواهد خورد. بخاطریکه، برای او مادیات این دنیا هیچ اهمیتی ندارد. او به خوبی درک می کند که اینها فقط برای مدت کوتاه اند و بعد از مرگ کدام مفادی برایش نمی رسانند.

او باعث نگرانی های بی اساس و ایجاد امید های دروغین در مردم می شود  
شیطان چنین گفت:

و آنها را گمراه میکنم! و به آرزوها سرگرم مسازم! و به آنان دستور مدهم که (اعمال خرافی انجام دهند، و) گوش چهارپایان را بشکافند، و آفرینش پاک خدا را تغییر دهند! (و فطرت توحید را به شرك بیالایند!)»  
و هر کس، شیطان را به جای خدا ولی خود برگزیند، زیان آشکاری کرده است.  
شیطان به آنها وعدهها (ی دروغین) میدهد؛ و به آرزوها، سرگرم مسازد؛ در حالی که جز فریب و نیرنگ، به آنها وعده نمدهد.

(سوره نساء 119-120)

او انحراف را صحیح نشان می دهد

کسانیکه زیر تاثیر شیطان رفته اند، شیطان اعمال آنها را، که درحقیقت غیر مشروع اند، در نظر آنها مقبول نشان می دهد.

او و قومش را دیدم که برای غیر خدا -خورشید- سجده میکنند؛ و شیطان اعمالشان را در نظرشان جلوه داده، و آنها را از راه بازداشته؛ و از این رو هدایت نمیشوند!» (سوره نمل 24)  
چرا هنگامی که مجازات ما به آنان رسید، (خضوع نکردند و) تسلیم نشدند؟! بلکه دلهای آنها قساوت پیدا کرد؛ و شیطان، هر کاری را که میکردند، در نظرشان زینت داد! (سوره انعام 43)

قلب های کسانیکه سخت شده اند خوب و بد را تشخیص داده نمی توانند و شیطان اعمال آنها را به نظرشان خوب نشان می دهد. پیروان ادیان منسوخ نیز به این شکل منحرف شده اند. قرآن به شکل ذیل بیان می کند:

و (به یاد آور) هنگامی را که شیطان، اعمال آنها (مشرکان) را در نظرشان جلوه داد، و گفت: سخلتها امروز هیچ کس از مردم بر شما پیروز نمگردد! و من، همسایه (و پناهدهنده) شما هستم! اما هنگامی که دو گروه (کافران، و مؤمنان مورد حمایت فرشتگان) در برابر یکدیگر قرار گرفتند، به عقب برگشت و گفت: «من از شما (دوستان و پیروانم) بیزارم! من چیزی مبینم که شما نمبینید؛ من از خدا مترسم، خداوند شدیدالعقاب است!» (سوره انفال 48)

#### او باعث برانگیختن ترس فقر می شود

شیطان این دنیا را به قیمت آخرت (فراموشی آخرت) پیشنهاد می کند. بناءً کسانیکه تحت تاثیر شیطان آمده اند، فقط برای این دنیا کوشش می کنند، فکر می کنند که هیچگاهی نمی میرند و برای آخرت هیچ کاری نمی کنند. شیطان از همین دام برای هزاران سالها استفاده کرده است. میلیونها انسانی که برای این دنیا پول جمع کرده اند و در آخر مرده اند این پول ها هیچ منفعت برای آنها نرسانده است. اما انسانهای امروزی هیچ درسی از این نیاموخته اند. شیطان کوشش دارد، تا مومنین را نیز متیقین سازد که این دنیا دارای ارزش بیشتر است. در میان کافران و کسانیکه دارای ایمان ضعیف اند، شیطان کوشش می کند تا ترس فقر را ایجاد کند. این صفت شیطان در قرآن به شکل ذیل بیان شده:

شیطان، شما را (به هنگام انفاق)، وعده فقر و تهیدستی میدهد؛ و به فحشا (و زشتیها) امر میکند؛ ولی خداوند وعده «آمرزش» و «فزونی» به شما میدهد؛ و خداوند، قدرتش وسیع، و (به هر چیز) داناست. (به همین دلیل، به وعدههای خود، وفا میکند.) (سوره بقره 268)

دام شیطان که ایجاد خواهشات سرمایه و جایداد است، یکی از دامهای سابقه او می باشد. طوریکه در قرآن ذکر است چگونه شیطان به آدم (ع) این دروغ را گفت، " (سوره طه 120) برای او وعده سرمایه مادی را داد. به همین دلیل خداوند "ج" درباره علاقه بی شماری به سرمایه مادی، هشدارهای متعددی در قرآن داده است:

آری، شما همان گروهی هستید که برای انفاق در راه خدا دعوت میشوید، بعضی از شما بخل مسورزند؛ و هر کس بخل ورزد، نسبت به خود بخل کرده است؛ و خداوند بنیاز است و شما همه نیازمندید؛ و هرگاه سرپیچی کنید، خداوند گروه دیگری را جای شما مآورد پس آنها مانند شما نخواهند بود (و سخاوتمندانه در راه خدا انفاق میکنند). (سوره محمد 38)

کسانیکه غیر از رضایت خداوند "ج" سرمایه خود را به مصرف می رسانند، کار آنها با شیطان مشترک است. خداوند "ج" راجع به این مالکیت مشترک با شیطان در قرآن چنین ذکر می کند:

هر کدام از آنها را نتوانی با صدایت تحریک کن! و لشکر سواره و پیادهات را بر آنها گسیل دار! و در ثروت و فرزندانشان شرکت جوی! و آنان را با وعدهها سرگرم کن! -ولی شیطان، جز فریب و دروغ، وعدهای به آنها نمدهد- (سوره اسراء 64)

او غرور را در انسان می پروراند

غرور و تکبر گناه ابتدایی شیطان است. بر اثر غرور شیطان بود که او را خداوند "ج" از حضور خود دور راند:

جز ابلیس که تکبر ورزید و از کافران بود!

گفت: «ای ابلیس! چه چیز مانع تو شد که بر مخلوقی که با قدرت خود او را آفریدم سجده کنی؟! آیا تکبر کردی یا از برترینها بودی؟! (برتر از اینکه فرمان سجود به تو داده شود!)»

جز ابلیس که تکبر ورزید و از کافران بود!

گفت: «ای ابلیس! چه چیز مانع تو شد که بر مخلوقی که با قدرت خود او را آفریدم سجده کنی؟! آیا تکبر کردی یا از برترینها بودی؟! (برتر از اینکه فرمان سجود به تو داده شود!)»

(سوره ص 74-75)

این مرض شیطان برای انسانها نیز تهدید جدی تلقی می شود. بخاطریکه، مقصد ابتدایی شیطان همین است که انسانهای را به مرض خود مبتلا کند. به همین دلیل در قرآن برای مومنین هشدار داده شده تا همیشه فروتنی اختیار کنند.

و روی زمین، با تکبر راه مرو! تو نمیتوانی زمین را بشکافی، و طول قامتت هرگز به کوهها

نمرسد! (سوره اسراء 37)

(پسرم!) با بواعثنایی از مردم روی مگردان، و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد.

(پسرم!) در راهرفتن، اعتدال را رعایت کن؛ از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد مزن) که زشتترین صداها صدای خران است.

(سوره لقمان 18-19)

انسان همیشه باید درمقابل خوی همیشگی شیطان که غرور است از احتیاط لازم کار بگیرد. درغیرآن صورت تمام ثواب حاصله را ازدست خواهد داد. نفوذ شیطان اشکال مختلف را به خود می گیرد. به طور مثال، امکان دارد که یک شخص برای اسلام خدمات زیادی انجام داده باشد، اما این خدمات درنتیجه احسان خداوند "ج" است که زمینه را برای او مساعد ساخت. به طورمشابه یک مومن واقعی درمقابل خدمات خود، غیرازرضای خداوند "ج"، هیچ چیزی دیگری نمیخواهد. دراین مورد در قرآن به شکل ذیل برای ما هشدارداده شده:

**گمان مبر آنها که از اعمال (زشت) خود خوشحال میشوند، و دوست دارند در برابر کار (نیکی) که انجام نداده‌اند مورد ستایش قرار گیرند، از عذاب (الهی) برکنارند! (بلکه) برای آنها، عذاب دردناکی است! (سوره عمران 188)**

درحقیقت، خداوند "ج" قارون را به عذاب شدید مبتلا ساخت، کسیکه برجایداد خود افتخار می کردوچنین می گفت: «این ثروت را بوسیله دانشی که نزد من است به دست آورده‌ام!» آیا او نمدانست که خداوند اقوامی را پیش از او هلاک کرد که نیرومندتر و ثروتمندتر از او بودند؟! (و هنگامی که عذاب الهی فرا رسد،) مجرمان از گناهانشان سؤال نمیشوند. (سوره قصص 78). شیطان همیشه می خواهد بین مومنین نیز این عادت دیرینه خودرا که غرور است ایجاد کند.

شیطان بسیار ماهرانه این احساس را درشخص ایجاد می کند که او برسایر افراد برتری دارد. به طورمثال، شیطان زمانی ازاین فرصت استفاده می کند که یکنفر به یک کامیابی جزئی رسیده باشد. اگر شخصی این حقیقت را درک نکند که این کامیابی بر اثر خواست خداوند "ج" بوده، پس، شیطان به آسانی غرور را در او ایجاد می کند. مثال دیگر اینست که زمانی یک شخص مرتکب گناه شود، وظیفه سایر مومنین اینست که او را به شکل مشفقانه نصیحت کنند واینرا فراموش نکنند که همین شخص گناهکار ازجمله آنها است وشیطان همیشه کوشش خواهد کرد که غضب و نفرت را نسبت به این شخص تشویق کند. هرکس اگر یک مسلمان را بخاطر اشتباه که انجام داده، نفرت کند، که خودرا نسبت به او بهتر می داند، پس به یقین که تحت تاثیر شیطان عمل کرده است.

اگر به این عمل خود ادامه دهد، درنتیجه این شخص متکبرشده، درعین زمان تمام دوستی و محبت او با سایر مومنین از بین می رود. هرکسیکه خودرا مستقل ازجامعه مسلمین می داند و با آنها مشورت نمی کند و خودرا نسبت به آنان بهتر می داند. در آخر غرور و تکبر او افزایش یافته ایمان او ضعیف می شود:

**تنها کسانی که به آیات ما ایمان مآورند که هر وقت این آیات به آنان یادآوری شود به سجده مآفتند و تسبیح و حمد پروردگارشان را بجا مآورند، و تکبر نمکنند. (سوره سجده 15)**

طوری که از این آیه معلوم می گردد، تنها کسانی که فروتن هستند آیات خداوند "ج" را درک می کنند. برای کسی که متکبر و خودخواه است این امر غیر ممکن است.

### او ملاحظه امور دینی را فقط بخاطر نمایش تشویق می کند

یکی از خواهشات غلط انسان اینست که از طرف دیگران به رسمیت شناخته شود. شیوه که انسان بخاطر به رسمیت شناختن خود بکار می گیرد معمولاً مربوط به شرایط او می باشد. درجایی که به پول ارزش می دهند، پس، به پول افتخار خواهند کرد. درجایی که حیثیت قابل قدر باشد، پس رتبه اجتماعی از هر چیز با ارزش خواهد بود. شیطان از خواهشات چنین اشخاص درجای استفاده خواهد کرد، زمانی که مومنین بخواهند وظایف دینی خود را انجام دهند. کسانی که دارای ایمان ضعیف هستند، وظایف دینی خود را نه بخاطر رضای خداوند "ج" بلکه بخاطر کسب حیثیت در جامعه دینی انجام می دهند. قرآن این نوع اشخاص را چنین معرفی می کند:

پس وای بر نمازگزارانی که...

در نماز خود سهلانگاری میکنند،

همان کسانی که ریا میکنند،

(سوره ماعون 4-6)

یکی از وظایف مهم دینی که شیطان بخاطر گمراه کردن و ریا افراد استفاده خواهد کرد "صدقه" یعنی مصرف پول در راه خداوند "ج" می باشد. این نوع اشخاص که غیر از رضای خداوند "ج" کار می کنند در حقیقت دوستان شیطان می باشند:

و آنها کسانی هستند که اموال خود را برای نشان دادن به مردم انفاق میکنند، و ایمان به خدا و روز بازپسین ندارند؛ (چرا که شیطان، رفیق و همنشین آنهاست؛) و کسی که شیطان قرین او باشد، بد همنشین و قرینی است. (سوره نساء 38)

صدقه در راه خداوند "ج" یکی از فرصت های مهم برای یک مومن می باشد تا گناهان خود را مغفرت و آخرت را حاصل نماید. اگر شیطان باعث شود که این شخص بخاطر ریا این کار را انجام دهد، پس، از جمله گمراهان خواهد بود. بناءً یک مسلمان باید از شیطان باخبر و صدقه در راه خداوند "ج" را با نیت پاک انجام دهد و فقط رضای خداوند "ج" را بخواهد. برای مومنین در قرآن چنین هشدار داده شده:

ای کسانی که ایمان آورده اید! بخششهای خود را با منت و آزار، باطل نسازید! همانند کسی که مال خود را برای نشان دادن به مردم، انفاق میکند؛ و به خدا و روز رستاخیز، ایمان نمآورد؛ (کار او) همچون قطعه سنگی است که بر آن، (قشر نازکی از) خاک باشد؛ (و بذرهایی در آن افشاندن شود؛) و

رگبار باران به آن برسد، (و همه خاکها و بذرها را بشوید)، و آن را صاف (و خالی از خاک و بذر) رها کند. آنها از کاری که انجام داده‌اند، چیزی به دست نیاورند؛ و خداوند، جمعیت کافران را هدایت نمکند.  
(سوره بقره 264)

او کوشش می کند تا مردم از آیات قرآن و خداوند "ج" فاصله بگیرند

پیروی از کتاب خداوند "ج" یکی از تعهدات مهمی می باشد. جزای نادیده گرفتن این مسئولیت بسیار شدید است. طوریکه به خوبی آگاه هستیم که اولین هدف شیطان مبتلا ساختن انسان به چنین عذاب می باشد. کسیکه از قرآن روی گردان می شود درحقیقت از خداوند "ج" روگردان می شود. قرآن کلام خداوند "ج" و وسیله هدایت درتمام زندگی هر مومن می باشد. عدم مطابقت با اساسات قرآن یکی از گناهان بزرگ هر مومن می باشد. مومنین که به آیات قرآن ایمان دارند، اگر از اساسات قرآن فاصله بگیرند پس درمقابل شیطان بسیار شکننده خواهند شد. اگرچه آنها فکر می کنند که براه راست هستند اما کاملاً تحت کنترل شیطان خواهند بود. این وضعیت که شیطان دوست آنها می شود درقرآن چنین بیان شده:

و هر کس از یاد خدا روگردان شود شیطان را به سراغ او میفرستیم پس همواره قرین اوست!  
و آنها (شیاطین) این گروه را از راه خدا بازمدارند، در حالی که گمان میکنند هدایتیافتگان حقیقی آنها هستند!

(سوره زخرف 36-37)

هرکسیکه امید آخرت را از دست داده باشد به این شکل بی احتیاط می شود، به مادیات این دنیا رجوع می کند و خواهشات نفسانی خودرا تعقیب می کند. این نوع شخصیکه پیروی از شیطان می کند به حد یک حیوان پست می شود. بخاطریکه یک حیوان نیز نیازهای فزیکتی خودرا تعقیب می کند(مثل خوردن و نوشیدن). تفاوت اصلی یک انسان با حیوان درروح پاک او می باشدکه عبادت مخلصانه خداوند "ج" می باشد. قرآن این موضوع را چنین روشن می کند:

و بر آنها بخوان سرگذشت آن کس را که آیات خود را به او دادیم؛ ولی (سرانجام) خود را از آن تهی ساخت و شیطان در پی او افتاد، و از گمراهان شد!

و اگر مخواستیم، (مقام) او را با این آیات (و علوم و دانشها) بالا میبردیم؛ (اما اجبار، بر خلاف سنت ماست؛ پس او را به حال خود رها کردیم) و او به پستی گرایید، و از هوای نفس پیروی کرد! مثل او همچون سگ (هار) است که اگر به او حمله کنی، دهانش را باز، و زبانش را برون میآورد، و اگر او را به حال خود واگذاری، باز همین کار را میکند؛ (گویی چنان تشنه دنیاپرستی است که هرگز سیراب نمیشود!) (این مثل گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند؛ این داستانها را (برای آنها) بازگو کن، شاید بیندیشند (و بیدار شوند)!) (سوره اعراف 175-176)



اگر چه یک مسلمان چندین بار شاید قرآن را خوانده باشد، اما این کار او را در مقابل شیطان محافظت نخواهد کرد. درحقیقت، شیطان از راه های متعددی برای حمله کردن استفاده خواهد کرد. شیطان می فهمد که یک مومن مستقیماً حقیقت قرآن را رد نخواهد کرد، بناءً او از استراتژی های مختلفی، برای اینکه مومن از زندگی که در قرآن امر شده فاصله بگیرد، استفاده خواهد کرد. وضعیت چنین اشخاصی که قبلاً مومن بوده اند اما مطابق قرآن زندگی خود را پیش نمی برند، در قرآن به شکل ذیل بیان شده:

**آیا وقت آن نرسیده است که دل‌های مؤمنان در برابر ذکر خدا و آنچه از حق نازل کرده است خاشع گردد؟! و مانند کسانی نباشند که در گذشته به آنها کتاب آسمانی داده شد، سپس زمانی طولانی بر آنها گذشت و قلبهایشان قساوت پیدا کرد؛ و بسیاری از آنها گنهارند! (سوره حدید 16)**

خداوند "ج" امر می کند که یک مومن باید بطور محکم به قرآن وفادار بماند تا از فریبکاری های شیطان نجات یابد. قرآن هدایت واقعی برای هر مومن در زندگی اش می باشد. بر علاوه، مومنین نه تنها مسئول خواندن قرآن بلکه همیشه به یادداشتن آن، تدبیر آن، و انجام هر کار خود مطابق قرآن مامور هستند. آنچه را در خانه های شما از آیات خداوند و حکمت و دانش خوانده میشود یاد کنید؛ خداوند لطیف و خبیر است! (سوره احزاب 34)

کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده ایم (یهود و نصاری) آن را چنان که شایسته آن است میخوانند؛ آنها به پیامبر اسلام ایمان میآورند؛ و کسانی که به او کافر شوند، زیانکارند. (سوره بقره 121)

#### **او باعث می شود تا مردم فراموش کار باشند**

اگرچه اکثریت مردم اینرا درک نمی کنند، ایجاد فراموش کاری در اذهان مردم یکی از تاکتیک های معمول شیطان است. شیطان این نیرنگ را بر مردم در حالات مختلف استفاده می کند. به طور مثال، ایجاد فراموش کاری در انسانهایی که به کلی از اساسات دین فاصله دارند مثل فراموش کاری عادی نمی باشد. فراموشکاری که شیطان ایجاد می کند آنست که مردم 60 یا 70 سال زندگی خود را با تعقیب اهداف بی معنی و نظر انداز کردن خداوند "ج" سپری می کنند. آنها هشدارهای خداوند "ج" را در مورد آخرت و دوزخ کاملاً نادیده می گیرند. این سوال که آنها چگونه به دنیا آمده اند و کی آنها را خلق کرده هیچ اهمیت ندارد.

شیطان باعث می شود تا آنها حقیقت خلقت و قدرت خداوند "ج" را فراموش کنند. این نوع انسانها مرگ و آخرت را فراموش می کنند. این نوع غفلت درقرآن به شکل ذیل بیان شده:

**شیطان بر آنان مسلط شده و یاد خدا را از خاطر آنها برده؛ آنان حزب شیطانند! بدانید حزب شیطان**

**زیانکارانند! (سوره مجادله 19)**

گروه دیگری که شیطان باعث فراموش کاری در آنها می شود، مومنین می باشند. اگرچه این نوع فراموش کاری با فراموش کاری کافران و منافقین فرق دارد. شیطان کوشش می کند تا مومنین در هر بخش از مسئولیت خود فراموش کار باشند. بخاطریکه هرکس در طول عمر خود راجع به ایمان او به اوامر قرآن امتحان می شود. به همین دلیل یک شخص همیشه باید هوشیار باشد و خواهان رضایت خداوند "ج" باشد. مثالهای متعددی از انواع فراموشکاری های که شیطان در مومنین ایجاد می کند، آورده شده. یکی از مثالها اینست که قرآن ما را در مورد دوستی با کسانی که قرآن را استهزا می کنند، هشدار می دهد. خداوند "ج" ما را از چنین مباحثی منع می کند:

هرگاه کسانی را دیدی که آیات ما را استهزا میکنند، از آنها روی بگردان تا به سخن دیگری بپردازند! و اگر شیطان از یاد تو ببرد، هرگز پس از یاد آمدن با این جمعیت ستمگر منشین! (سوره انعام

**68)**

و هرگز در مورد کاری نگو: «من فردا آن را انجام میدهم»

مگر اینکه خدا بخواهد! و هرگاه فراموش کردی، (جبران کن) و پروردگارت را به خاطر بیاور؛ و بگو: «امیدوارم که پروردگارم مرا به راهی روشنتر از این هدایت کند!»

**(سوره کهف 23-24)**

مثال دیگر از حضرت موسی (ع) است، شیطان باعث شد تا جوانیکه با موسی (ع) در سفر بود آوردن ماهی را فراموش کند:

**گفت: «به خاطر داری هنگامی که ما (برای استراحت) به کنار آن صخره پناه بردیم، من (در آن جا) فراموش کردم جریان ماهی را بازگو کنم - و فقط شیطان بود که آن را از خاطر من برد- و ماهی بطرز شگفتآوری راه خود را در دریا پیش گرفت!» (سوره کهف 63)**

هر مومن باید همیشه درمقابل فراموش کاری خود را محافظت کند و هیچ گاهی هدف زندگی خود را که چرا خلق شده فراموش نکند:

ای کسانی که ایمان آوردهاید از (مخالفت) خدا بپرهیزید؛ و هر کس باید بنگرد تا برای فردایش چه چیز از پیش فرستاده؛ و از خدا بپرهیزید که خداوند از آنچه انجام مدهید آگاه است!  
و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را به «خود فراموشی» گرفتار کرد، آنها فاسقاند.

**(سوره حشر 18-19)**

بخاطری اینکه مومنین خود را از فراموشکاری نجات دهند، لازم است تا همیشه خداوند "ج" را در یاد خود داشته باشند، فقط از او بترسند و هدف شان حصول رضای او باشد و توسط چیزهای موقتی این دنیا بازی نخورند. اگر یک مسلمان بطور مداوم این چیزها را در ذهن خود نداشته باشد، در مقابل شیطان بی دفاع خواهد ماند.

### او باعث برانگیختن احساسات می شود

احساساتی بودن یکی از بخشهای عاطفی انسان است که به حدی بالاتر از آنکه در قرآن ذکر است، می رسد و در نتیجه، انسان به جای آنکه در تصمیم خود از تعقل کار بگیرد از احساسات کار می گیرد. کسیکه به شکل احساساتی رویه می کند کار او غیر عقلانی است. هر آن چیزیکه او انجام می دهد در نتیجه احساسات آن لحظه می باشد. درجه صبر او، عدالت او، تصامیمی که می گیرد و جواباتی که می دهد همه و همه در اثر احساسات او می باشند. تصامیم غیر عاقلانه و متضاد در نتیجه مداخله شیطان صورت می گیرند. اتخاذ این نوع تصامیم همیشه پشیمانی ببار می آورد. زندگی کسانی که همیشه از احساسات کار می گیرند پر از پشیمانی می باشد. ذهن یک مومن بر عکس همیشه متعادل و عاقلانه می باشد. هر عمل او توسط احکام خداوند "ج" هدایت می شود. رویه کسی که عاقلانه است همیشه در نظر دارد که روز حساب و کتاب حتمی است.

شیطان بعضی اوقات کوشش خواهد کرد تا در مومنین احساسات را تشویق کند. هر عملی که با قرآن مخالف باشد، مثل، محبت با کافران، یا ناراضیاتی در وضعیت های بد، علامات اینست که شیطان می خواهد در ما احساسات ایجاد کند. از این احساسات زمانی جلوگیری کرده می توانیم که مطابق اساسات قرآن عمل کنیم و همیشه رضای خداوند "ج" را بخواهیم. در چندین آیات قرآن بیان شده که برای احساسات در اذهان مومنین هیچ جای نیست. هیچ مومن باید در قلب خود برای دشمن خداوند "ج" محبت نداشته باشد:

هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند نمیبایی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندانشان باشند؛ آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه دلهایشان نوشته و با روحی از ناحیه خودش آنها را تقویت فرموده، و آنها را در باغهایی از بهشت وارد میکند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است، جاودانه در آن ممانند؛ خدا از آنها خشنود است، و آنان نیز از خدا خشنودند؛ آنها «حزب الله سذلّهاند؛ بدانید «حزب الله» پیروزان و رستگارانند.

(سوره مجادله 22)

درآیه دیگر این حقیقت ذکر است که اگر یک مومن با دشمن خداوند "ج" دوستی کند او را گمراه خواهد کرد.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید! شما نسبت به آنان اظهار محبت نکنید، در حالی که آنها به آنچه از حق برای شما آمده کافر شده‌اند و رسول الله و شما را به خاطر ایمان به خداوندی که پروردگار همه شماست از شهر و دیارتان بیرون مرانند؛ اگر شما برای جهاد در راه من و جلب خشنودیم هجرت کرده‌اید؛ (پیوند دوستی با آنان برقرار نسازید!) شما مخفیانه با آنها رابطه دوستی برقرار نکنید در حالی که من به آنچه پنهان یا آشکار مسازید از همه دانایم! و هر کس از شما چنین کاری کند، از راه راست گمراه شده است! (سوره ممتحنه 1)

ایمان معیار اصلی برای محبت است. تا زمانیکه کسی به خداوند "ج" ایمان حقیقی نداشته باشد هیچ گاهی دوست مومن شده نمی تواند. این تفاوت در قرآن درباره ابراهیم (ع) چنین بیان شده:

برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت، در آن هنگامی که به قوم (مشرك) خود گفتند: «ما از شما و آنچه غیر از خدا میپرستید بیزاریم؛ ما نسبت به شما کافریم؛ و میان ما و شما عداوت و دشمنی همیشگی آشکار شده است؛ تا آن زمان که به خدای یگانه ایمان بیاورید! - جز آن سخن ابراهیم که به پدرش (عمویش آزر) گفت (و وعده داد) که برای تو آمرزش طلب میکنم، و در عین حال در برابر خداوند برای تو مالک چیزی نیستم (و اختیاری ندارم)! - پروردگارا! ما بر تو توکل کردیم و به سوی تو بازگشتیم، و همه فرجامها بسوی تو است! (سوره ممتحنه 4)

#### او افراط را تشویق می کند

افراط گری یکی از صفات جوامع که در آن جهالت دینی شیوع کرده می باشد. به فکر کافر مصرف بی حد و افتخار بر آن یکی از وسیله ها برای بلند بردن حیثیت او می باشد:

مگوید: «مال زیادی را (در کارهای خیر) نابود کرده‌ام!»

آیا (انسان) گمان میکند هیچ کس او را ندیده (که عمل خیری انجام نداده) است؟! (سوره بلد 6-7)

حقیقت اینست که مصرف بی جای توسط خداوند "ج" منع شده. این نوع اشخاص در قرآن بنام "برادران

شیطان" یاد شده اند. در آیه بعدی خداوند "ج" چنین می فرماید:

و حق نزدیکان را پرداز، و (همچنین حق) مستمند و وامانده در راه را! و هرگز اسراف و تبذیر مکن، چرا که تبذیرکنندگان، برادران شیاطینند؛ و شیطان در برابر پروردگارش، بسیار ناسپاس بود!

(سوره اسراء 26-27)

یک مومن همیشه به یک نکته باید متوجه باشد، هرچیزیکه او مصرف می کند باید در مقابل، جنت را

حاصل کند (سوره توبه 111). وقتی این تجارت را قبول کرد پس پول خود را همیشه در راه خداوند "ج" حاصل

مصرف کند. یک مسلمان همیشه برای آخرت تلاش داشته باشد و داشتن دارایی یک فرصت است. خداوند "ج" در مورد افراط‌گری چنین هشدار می‌دهد:

اوست که باغهای معروش (باغهایی که درختانش روی داربستها قرار دارد)، و باغهای غیرمعروش (باغهایی که نیاز به داربست ندارد) را آفرید؛ همچنین نخل و انواع زراعت را، که از نظر میوه و طعم با هم متفاوتند؛ و (نیز) درخت زیتون و انار را، که از جهتی با هم شبیه، و از جهتی تفاوت دارند؛ (برگ و ساختمان ظاهریشان شبیه یکدیگر است، در حالی که طعم میوه آنها متفاوت میباشد). از میوه آن، به هنگامی که به ثمر منبشید، بخورید! و حق آن را به هنگام درو، بپردازید! و اسراف نکنید، که خداوند مسرفان را دوست ندارد! (سوره انعام 141)

ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید! و (از نعمتهای الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست ندارد! (سوره اعراف 31)

**وسایلی که شیطان استفاده می‌کند، بخاطری گمراه کردن مردم اند**

قرآن در مورد عادت های بدی مومنین که به وسیله شیطان به وجود آمده هشدار می‌دهد. شراب، قمار و فالگیری وسایلی اند که شیطان توسط آن باعث گمراهی مردم می‌شود:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شراب و قمار و بتها و ازلام (نوعی بخت‌آزمایی)، پلید و از عمل شیطان است، از آنها دوری کنید تا رستگار شوید! (سوره مائده 90)

شیطان فقط یک هدف دارد و آن اینست که توسط این وسایل از ذکر خداوند "ج" و ادای نمازهای پنجگانه جلوگیری کند.

شیطان میخواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند، و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد. آیا (با این همه زیان و فساد، و با این نهی اکید،) خودداری خواهید کرد؟! (سوره

**مائده 91)**

## فصل چهارم

### جوامع جاهل: کسانی که از نفوذ شیطان بی خبر هستند

جوامع که اساس آنها غیر از ایمان حقیقی بر چیزی دیگر (جهالت) گذاشته شده از قدرت و نفوذ شیطان بی خبر هستند. به نظر آنها شیطان یک چیز سمبولیک است، در روزگار آنها هیچ گونه دخالتی ندارد، به فکر آنها شیطان فقط جنایات بزرگ را تشویق می کند. به نظر آنها فقط کسانی دوزخ می روند که بی رحمانه مردم را می کشند. در نظر آنها خانم خانه و یا شاگرد مکتب که به کسی ضرر نمی رسانند تحت تاثیر شیطان نیستند، حتی اگر اینها وظایف دینی خود را انجام ندهند، بخاطریکه خود را دارای قلب پاک می دانند. اینها افرادی هستند که قصد غصب مال کسی دیگر و رساندن ضرری به دیگر را ندارند و بخاطریکه آنها مردم را نمی کشند و پول غیر قانونی مصرف نمی کنند، فکر می کنند که به جنت می روند. به فکر آنها دوزخ جای کسانی است که اعمال بسیار زشت و قبیح انجام می دهند.

این نوع دید و فکر در جوامع که جهالت شیوع کرده کار شیطان را بسیار آسان ساخته. این نوع اشخاصیکه خود را بخاطر ضرر رساندن به سایر اشخاص دیگر جنتی تلقی می کنند، اکثریت جامعه را تشکیل داده اند. تاروز که می میرند آنها خود را بازی داده و توسط شیطان گمراه می شوند. طوریکه در قرآن ذکر است این نوع اشخاص در روز قیامت نتیجه اعمال خود را خواهند دید و باور نخواهند کرد:

سپس پاسخو عذر آنها، چیزی جز این نیست که مگویند: «به خداوندی که پروردگار ماست سوگند

که ما مشرک نبودیم!» (سوره انعام 23)

هدف اصلی شیطان اینست که انسانها مطابق رضای خداوند "ج" زندگی نکنند و از حدودی که خداوند "ج" تعیین کرده فراتر روند. برای اینکه کسی از شیطان پیروی کند ضروری نیست که فقط قتل کند و عبادت شیطان کند. کسیکه به درستی تمام اعمال دینی را انجام ندهد و هنوز هم خود را دارای قلب پاک می داند، در حقیقت به دام شیطان افتیده است. مطابق قرآن اکثریت مردم به خواهشات شیطانی تسلیم می شوند. تعداد اشخاص با ایمان انگشت شمار هستند ولی خود را از دام شیطان نجات داده اند:

(آری) بییقین، ابلیس گمان خود را درباره آنها محقق یافت که همگی از او پیروی کردند جز گروه

اندکی از مؤمنان! (سوره سبأ 20)

اگر اندک توجه شود، کسی می فهمد که حتی در جامعه خودش توسط لشکر شیطان احاطه شده. این نیروهای شیطانی صفات خود را به اشکال مختلف نشان خواهند داد. این نوع اشخاص شاید شامل پدر، مادر، برادر، فرزند یا خود شخص باشد. یگانه راهی که ما را بدرستی هدایت کرده می تواند قرآن است. کلمات مثل، "به فکر من" یا "از دیدن من" هیچ مفهومی ندارند. اگر اعمال ما به اساس قرآن انجام نشوند پس در حقیقت از شیطان پیروی می کنیم. پیروان شیطان در قرآن به شکل ذیل بیان شده:

**در آن هنگام همه آن معبودان با عابدان گمراه به دوزخ افکنده میشوند؛  
و همچنین همگی لشکریان ابلیس!  
(سوره الشعراء 94-95)**

کسانی که به خواهشات شیطانی تسلیم می شوند، به آسانی زندگی شیطانی را انتخاب کرده اند و 60 الی 70 سال عمر خود را ضایع ساخته اند. اینها هر نوع رتبه اجتماعی را کسب کنند، اصل اساسی بر جای خود باقی ماند: تمام کار آنها بخاطر زندگی این دنیا بوده، هیچگاهی درباره خداوند "ج" و آخرت فکر نکرده اند، فکر کردند که نمی میرند.

سالهای متمادی بخاطر کسب درجه اکادمیک و وظیفه مسلکی روز و شام زحمت کشیدند، تا یک زندگی آسوده و بهتر داشته باشند فقط برای اینکه یک روز بمیرند و طوری شود که اصلاً هیچ چیزی واقع نشده بود. آنها به زودی فراموش خواهند شد و به جای آنها کسانی دیگر خواهند آمد. بعد از لحظه که آنها بمیرند، نه پول آنها، نه مقام اجتماعی، نه زندگی آسوده و نه فامیل آنها کدام منفعتی برایشان نمی رسانند: مدتی که برای آنها در این دنیا داده شده بود به اختتام رسید. مرگ حقیقتی است که بسیاری افراد آنرا فراموش کرده و تمام عمر خود را، بدون اینکه برایش آمادگی بگیرند، ضایع می سازند.

این نوع اشخاص بطور دقیق در خدمت شیطان هستند، شیطان از آنها استفاده کرده و دین خود را پخش می کند. کلماتی که آنها به زبانهای خود می آوردند کلمات شیطان هستند. ارتباط این نوع اشخاص با شیطان رابطه برادری است.

**و (ناپرهیزگاران را) برادرانشان (از شیاطین) پیوسته در گمراهی پیش مبرند، و باز نمایستند!  
(سوره اعراف 202)**

شیطان در ضمیر ناخودآگاه شخص داخل شده و تمام جسم آن شخص را تحت کنترل خود می آورد. شیطان هر کسی را که در آن نفوذ کند همین شخص باعث گمراه ساختن شخص دیگر می شود. این افراد مثل شیطان پیام او را پخش می کنند. آنها خودشان شیطان در شکل فزیک می باشند. در چندین آیات قرآن برای مومنین درباره دوستان شیطان هشدار داده شده. دوستان شیطان امکان دارد از هر طبقه جامعه باشد، مثلاً،

استاد، شاگرد، سرمایه دار هر کدام اینها یک خصوصیت مشترک دارد: تمام اینها از دین حقیقی بسیار دور هستند. ما می توانیم اعضای جامعه جاهل را با صفات مختلف تحت چند عنوان تنظیم کنیم.

### دشمنان پیامبران

در قرآن ذکر شده هر آن زمانیکه پیامبر با کتاب و دین حقیقی برای مردم فرستاده شده با گروه شیاطین که مرکب از جن و انس بوده، روبرو شده اند. این همکاری مشترک که جن و انس با پیروی از شیطان با هم داشتند در قرآن به شکل ذیل بیان شده:

اینچنین در برابر هر پیامبری، دشمنی از شیاطین انس و جن قرار دادیم؛ آنها بطور سری (و درگوشی) سخنان فریبنده و باساس (برای اغفال مردم) به یکدیگر میگفتند؛ و اگر پروردگارت مخواست، چنین نمکردند؛ (و متوانست جلو آنها را بگیرد؛ ولی اجبار سودی ندارد.) بنابراین، آنها و تهمت‌هایشان را به حال خود واگذار!

نتیجه (وسوسه‌های شیطان و تبلیغات شیطان‌صفتان) این خواهد شد که دل‌های منکران قیامت، به آنها متمایل گردد؛ و به آن راضی شوند؛ و هر گناهی که بخواهند، انجام دهند! (سوره انعام 112-113)

طوریکه در این آیات ذکر است، اگر خداوند "ج" می خواست پس این شیاطین نمی توانستند با پیامبران دشمنی کنند و بر مومنین ظلم کنند. تنها و تنها بخاطر اینکه خداوند "ج" می خواست تا مومنین را به وسیله آنها امتحان کند و شرایط را به وجود آورد که اگر مومنین استقامت و صبر داشته باشند به درجه بالا الهی برسند. وظیفه که خداوند "ج" برای شیطان داده اینست تا او با کارهای خود مومنین را از غیر مومنین جدا کند.

### کافران به وسیله شیطان تحریک می شوند

عامل عمده برای افراط‌گرایی کافران و دشمنی آنها با مسلمین تحریک شیطان است. خداوند "ج" در قرآن چنین بیان می کند:

آیا ندیدی که ما شیاطین را بسوی کافران فرستادیم تا آنان را شدیداً تحریک کنند؟! (سوره مریم

83)

و از آنچه نام خدا بر آن برده نشده، نخورید! این کار گناه است؛ و شیاطین به دوستان خود مطالبی مخفیانه القا میکنند، تا با شما به مجادله برخیزند؛ اگر از آنها اطاعت کنید، شما هم مشرک خواهید بود! (سوره انعام 121)

بعضی اوقات شیطان مشرکین و منکرین را به اشکال مختلف تشویق می کند تا بر مومنین حمله کنند، مثلاً به عنوان دفاع از دین اجدادشان یا به عنوان نژاد پرستی و دنیا دوستی. این حملات آنها نه تنها لفظی بلکه فیزیکی که منجر به قتل می شود نیز می باشد. قرآن بیان می کند که چگونه بر رسول الله (ص) منکرین حمله کردند:



**(به خاطر بیاور) هنگامی را که کافران نقشه مکشیدند که تو را به زندان بیفکنند، یا به قتل برسانند، و یا (از مکه) خارج سازند؛ آنها چاره ماندیشیدند (و نقشه مکشیدند)، و خداوند هم تدبیر مکرده؛ و خدا بهترین چاره جویان و تدبیرکنندگان است! (سوره انفال 30)**

پلانه‌های شیطان که آنرا در اذهان منکرین ایجاد می‌کند به اندازه موثر اند که آنها حتی به قیمت جانهای خود در مقابل پیامبران خداوند "ج" می‌جنگند. به منکرین طوری شیطان تلقین می‌کند که جنگ آنها علیه مسلمین جایز است و زمانیکه بین دو گروه جنگ در می‌گرفت، در آن صورت شیطان منکرین را ترک می‌کرد:

**و (به یاد آور) هنگامی را که شیطان، اعمال آنها (مشرکان) را در نظرشان جلوه داد، و گفت: سخلت‌ها امروز هیچ کس از مردم بر شما پیروز نم‌گردد! و من، همسایه (و پناهدهنده) شما هستم! اما هنگامی که دو گروه (کافران، و مؤمنان مورد حمایت فرشتگان) در برابر یکدیگر قرار گرفتند، به عقب برگشت و گفت: «من از شما (دوستان و پیروانم) بیزارم! من چیزی مبینم که شما نمیبینید؛ من از خدا مترسم، خداوند شدیدالعقاب است!» (سوره انفال 48)**

نژادپرستان گروه دیگری است که توسط شیطان کنترل می‌شود. در هر جای دنیا اگر نژاد پرست را ببینید خود را نسبت به تمام اشخاص دیگر بهتر می‌داند و هیچ دلیل قانونی هم ندارد. یکنوع غرور و خشم در آنها ایجاد شده. در قرآن راجع به خشم نژاد پرستان چنین بیان شده:

**(به خاطر بیاورید) هنگامی را که کافران در دل‌های خود خشم و نخوت جاهلیت داشتند؛ و (در مقابل،) خداوند آرامش و سکینه خود را بر فرستاده خویش و مؤمنان نازل فرمود و آنها را به حقیقت تقوا ملزم ساخت، و آنان از هر کس شایسته‌تر و اهل آن بودند؛ و خداوند به همه چیز دانا است.**

### **(سوره فتح 26)**

طوری‌که نژادپرستان در قلب خود نسبت به سایرین نفرت دارند و خود را بهتر تلقی می‌کنند برای ما صفت شیطان را واضح می‌سازد. مفکوره شیطان در اینجا به خوبی واضح است که چگونه او در مقابل حضرت آدم (ع) نفرت خود را نشان داد و خود را بر او برتر دانست. نژادپرستان دقیقاً همین مفکوره را دارند. شیطان گفت که آتش بر خاک برتری دارد و نژاد پرستان نیز به تاریخ، تبار و اصل و نسب خود برتری قایل هستند.

### **برای کسانی‌که شیطان اعمال انحرافی آنها را در نظرشان تزئین می‌کند**

زمانیکه منکرین به دام شیطان می‌افتند پس تمام اعمال انحرافی شان در نظر آنها خوب تلقی می‌شوند و فکر می‌کنند که براه راست هدایت شده‌اند. مثال قوم سلیمان (ع) که تحت تاثیر شیطان آمده بودند چنین بیان شده:

او و قومش را دیدم که برای غیر خدا -خورشید- سجده میکنند؛ و شیطان اعمالشان را در نظرشان جلوه داده، و آنها را از راه بازداشته؛ و از این رو هدایت نمشوند!» (سوره نمل 24)

این آیه راجع به آفتاب پرستان است، در قرآن ذکر است که شیطان باعث گردید تا آنها آفتاب پرست شوند و این کار در فکر شان خوب تلقی شود. اگر چه در دنیای مدرن آفتاب پرست وجود ندارد اما، کسانی که دین اسلام را رها کرده و از ایدیولوژی های انسان ساخت پیروی می کنند، کم از آفتاب پرست نیستند.

### کسانی که جاهلانه در مورد خداوند "ج" بحث و گفتگو می کنند

اعضای برجسته جامعه جاهل معمولاً از یک تخنیک استفاده می کنند. آنها سخنان بی اساس راجع به دین حقیقی می سازند، بخاطر اینکه سخنان آنها عادلانه معلوم شود و حمایت مردم را حاصل کنند خود را "نخبگان" جامعه تلقی می کنند.

آنها خود را نسبت به سایر افراد جامعه برتر می دانند. به اندازه خود را والا فکر می کنند که به نظر آنها خداوند "ج" هیچ گاهی آنها را مجازات نخواهد کرد. نه تنها خودشان پابند دین نیستند بلکه دیگران را نیز گمراه می کنند (سوره انعام 26). آنها کسانی را که دیندار هستند جاهل و گمراه تلقی می کنند. آنها دین را بر اساس تمایلات خود عیار می سازند. تعبیرات آنها به شکل ذیل بیان شده:

- چگونه خداوند "ج" کسی را، که به کسی دیگری هیچ ضرر نمی رساند و با خود سروکار دارد، عذاب می دهد؟
- اسلام دین محبت است، تازمانیکه با مردم محبت داشته باشید، فکر کنید خداوند "ج" را عبادت و با او محبت دارید
- کارکردن و ایجاد فرصت های کاری برای دیگران بهترین اشکال عبادت کردن اند.
- من خداوند "ج" را و هرآنچیزیکه او خلق کرده دوست دارم. من اینرا نیز می فهمم که خداوند "ج" من را دوست دارد. هیچ نیازی به نماز و روزه ندارم. من فکر نمی کنم که خداوند "ج" تازمانیکه به کسی ضرر نرسانم، من را در آتش بیندازد.

با این نوع تعبیر ها آنها آیین غلط خود را تبلیغ می کنند. آنها در مقابل خداوند "ج" که پادشاه هر دو جهان است و تمام انسانها را بخاطر عبادت خود خلق کرده، ناشکر هستند. راجع به این گونه اشخاص در قرآن به شکل ذیل مثال آورده شده:

و گروهی از مردم، بدون هیچ دانش و هیچ هدایت و کتاب روشنی بخشی، درباره خدا مجادله میکنند!  
آنها با تکبر و بواعنائی (نسبت به سخنان الهی)، میخواهند مردم را از راه خدا گمراه سازند! برای آنان در دنیا رسوایی است؛ و در قیامت، عذاب سوزان به آنها میچشانیم!

(سوره حج 8-9)

تمام کسانی که دین را بر طبق تمایلات خود عیاری می سازند و از دین به شکل ابزار استفاده می کنند که هیچ گونه مطابقت با قرآن نداشته باشد، در حقیقت پیروی از شیطان کرده اند. به شکل ذیل در قرآن آنها ذکر شده اند:

گروهی از مردم، بدون هیچ علم و دانشی، به مجادله درباره خدا برمیخیزند؛ و از هر شیطان سرکشی پیروی میکنند. (3)

بر او نوشته شده که هر کس ولایتش را بر گردن نهد، بطور مسلم گمراهش مسازد، و به آتش سوزان راهنماییش میکند!

(سوره حج 3-4)

کسانی که فکر می کنند شیطان در نازل شدن قرآن دست دارد

اگرچه این نوع اشخاص معدود اند، این نوع افراد بخاطر اغتشاش و گمراهی انسانها، شایعات را پخش کردند که قرآن سخنان جنیات و شیطان است. سلمان رشدی مشهورترین آنها است که کتاب بنام "آیات شیطانی" را نوشته کرده. چنین شایعاتی در زمانی رسول الله (ص) نیز پخش شده بود. مشرکین آن زمان رسول الله (ص) را دیوانه خوانده بودند. قرآن در مقابل این اشخاص بهترین جواب داده است:

این (قرآن) گفته شیطان رجیم نیست! (سوره تکویر 25)

شیاطین و جنیان (هرگز) این آیات را نازل نکردند!

و برای آنها سزاوار نیست؛ و قدرت ندارند!

(سوره الشعراء 210-211)

در قرآن ذکر است که شیاطین از شنیدن آیات قرآن منع شده اند:

آنها از استراق سمع (و شنیدن اخبار آسمانها) برکنارند! (سوره الشعراء 212)

و آن را از هر شیطان رانده شدهای حفظ کردیم؛

مگر آن کس که استراق سمع کند (و دزدانه گوش فرا دهد) که «شهاب مبین» او را تعقیب میکند (و میراند)

(سوره حجر 17-18)

طوری‌که می‌دانیم که شیطان خودش جن است و از شنیدن قرآن منع شده، در سوره جن چنین آمده:

و اینکه ما آسمان را جستجو کردیم و همه را پر از محافظان قوی و تیرهای شهاب یافتیم!  
و اینکه ما پیش از این به استراق سمع در آسمانها منته‌شستیم؛ اما اکنون هر کس بخواهد استراق سمع کند،  
شهابی را در کمین خود میابد!  
(سوره جن 8-9)

شیطان همکار کسی می‌شود که زیان کار و کاذب باشد

کسانیکه همکار شیطان اند در قرآن چنین ذکر است:  
(سوره الشعراء 221-223)

بعد از نازل شدن این آیات ، فوراً منکرین قرآن را با شعر ارتباط دادند:

(پیامبر اسلام شاعر نیست؛) شاعران کسانی هستند که گمراهان از آنان پیروی میکنند.  
آیا نمیبینی آنها در هر وادی سرگردانند؟  
و سخنانی مگویند که (به آنها) عمل نمکنند؟!  
(سوره الشعراء 224-226)

### دین اجدادشان

قرآن منبع ابتدایی برای آموزش اسلامی می‌باشد. بنا بر همین دلیل شیطان کوشش می‌کند تا به حد توان خود مردم را از قرآن دور کند و به جای آن مردم را به طرف ادیان و عقاید نسل‌های سابقه هدایت کند. کسانیکه در این دام می‌افتند آنها بر اساس قرآن نه بلکه به اساس خرافاتی که برای یکدیگر از قرن‌ها انتقال شده ، هدایت می‌شوند. بدتر از همه اینکه آنها بسیار پایبند این خرافات می‌شوند. شیطان اذهان را آنقدر تاریک ساخته که حتی به دعوت آنها براه راست هدایت نمی‌شوند، خداوند "ج" چنین می‌فرماید:

و هنگامی که به آنان گفته شود: «از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید!»، مگویند: «نه، بلکه ما از چیزی پیروی میکنیم که پدران خود را بر آن یافتیم!» آیا حتی اگر شیطان آنان را دعوت به عذاب آتش فروزان کند (باز هم تبعیت میکنند)؟! (سوره لقمان 21)

به طور مثال، در آیین که بر اساس خرافات و رسم و رواج شکل گرفته، زنان در آن در درجه دوم قرار دارند. پیروان آن برای مردان برتری قایل هستند و زنان را پست می پندارند. اما، در قرآن برتری بر اساس جنسیت، وجود ندارد. مطابق قرآن کسانی برتری دارند که تقوا و پرهیزگاری داشته باشند. حتی در اسلام بعضی اشخاصی هستند که بر اساس خرافات اجدادشان چنین نظر دارند. کسانی که پیروی از ادیان اجدادشان می کنند در حقیقت تنگ نظر هستند. قرآن در مورد آنها چنین بیان می کند:

و هنگامی که به آنها گفته شود: «از آنچه خدا نازل کرده است، پیروی کنید!» مگویند: «نه، ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم، پیروی منماییم.» آیا اگر پدران آنها، چیزی نمیفهمیدند و هدایت نیافتند (باز از آنها پیروی خواهند کرد)؟!

مثل (تو در دعوت) کافران، بسان کسی است که (گوسفندان و حیوانات را برای نجات از چنگال خطر، صدا میزند؛ ولی آنها چیزی جز سر و صدا نمیشنوند؛ (و حقیقت و مفهوم گفتار او را درک نمیکنند. این کافران، در واقع) کر و لال و نابینا هستند؛ از این رو چیزی نمیفهمند!

(سوره بقره 170-171)

## فصل پنجم

### منافقین: حزب شیطان

در عربی کلمه "منافق" برای کسی اطلاق میگردد که "دو روی" باشد، همیشه کوشش می کند که راه آسان را در انجام وظایف دینی خود برگزیند، اگر آن عمل روحی باشد یا اجتماعی، او قسمی عمل می کند که به نفع او باشد. منافقین، اگرچه مومن نیستند، بخاطری سوی استفاده از قدرت آنها طوری وانمود می کنند که از جمله مومنین هستند. در قلب های منافقین مرض می باشد وزمانی آشکار می گردد که مومنین را در مشکل ببینند یا آنها را در جنگ با کافران، در آن زمان است که از مومنین جدا می شوند. همیشه کوشش می کنند که در بین مومنین تفرقه ایجاد کنند. حتی در این کار با کافران همکاری می کنند. بارها در قرآن در مورد چنین اشخاص برای مومنین هشدارها داده شده. یکی از نکات که در قرآن به کثرت یاد شده عبارت از نزدیکی منافقین با شیطان است. یکی از آیاتی که در آن همکاری میان شیطان و منافقین ذکر است به شکل ذیل می باشد:

**شیطان بر آنان مسلط شده و یاد خدا را از خاطر آنها برده؛ آنان حزب شیطانند! بدانید حزب شیطان زیانکارانند! (سوره مجادله 19)**

به همین دلیل زمانیکه ما خصوصیات شیطان را بررسی می کنیم به خوبی مشاهده می شود که خصوصیات او با منافقین مشترک است. مثل شیطان، آنها سخنان بی ثبات و متضاد می گویند. یکی از خصوصیات مشترک بین این دو گروه عبارت از خواستن تفوق است. طوریکه برای ما معلوم است، شیطان بخاطر همین غرور که بر آدم برتری دارد طغیان کرد، در قرآن به شکل ذیل به آن اشاره شده:

در آن هنگام همه فرشتگان سجده کردند،

جز ابلیس که تکبر ورزید و از کافران بود!

گفت: «ای ابلیس! چه چیز مانع تو شد که بر مخلوقی که با قدرت خود او را آفریدم سجده کنی؟ ! آیا تکبر کردی یا از برترینها بودی؟! (برتر از اینکه فرمان سجود به تو داده شود!)»

گفت: «من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریدهای و او را از گل!»

(سوره ص 73-76)

در آیات دیگر غرور و تکبر شیطان به شکل واضح بیان شده:

گفت: «من هرگز برای بشری که او را از گل خشکیده‌ای که از گل بدبویی گرفته شده است

آفریده‌ای، سجده نخواهم کرد!» (سوره حجر 33)

اگر با دقت بررسی کنیم به این مفهوم می رسیم که آیات قرآن به ما نشان می دهد، شیطان به موجودیت خداوند "ج" و اینکه او خالق اش است یقین دارد. از خداوند "ج" حتی می ترسد اما بخاطر غرور و تکبر او را پیروی نمی کند.

بخاطر اینکه شیطان به خوبی از تمام حقیقت ها خبر بود و طغیان کرد، او از جمله بدترین مخلوقات حساب می شود. جواب او درمقابل خداوند "ج" نشان دهنده نا شکری او است. منطق مشابه شیطان درمنافقین نیز دیده می شود. منافقین خود را نسبت به مومنین برتر می داند و درقرآن چنین ذکر است:

**و هنگامی که به آنان گفته شود: «همانند (سایر) مردم ایمان بیاورید!» مگویند: «آیا همچون ابلهان ایمان بیاوریم؟!» بدانید اینها همان ابلهانند ولی نمدانند! (سوره بقره 13)**

منافقین، بخاطریکه ایمان ندارند، کوشش دارند تا روح خود را به این شکل تسکین کنند. به این شکل به خود تلقین می کنند که نسبت به مومنین برتری دارند آنها راهی را که مومنین انتخاب کردند نمی خواهند تعقیب کنند. دلیل اصلی که آنها مومنین را "احمق" خطاب کردند این بود که آنها نمی خواستند مثل آنها ایمان داشته باشند، به عبارت دیگر، نمی خواستند به پیامبران ایمان داشته باشند. اما حقیقت اینست که در آخرت تفوق و برتری تنها و تنها از آن خداوند "ج"، پیامبر (ص) و مومنین خواهد بود. قرآن به شکل ذیل تشریح می کند:

**آنها مگویند: «اگر به مدینه بازگردیم، عزیزان ذلیلان را بیرون میکنند!» در حالی که عزت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است؛ ولی منافقان نمدانند! (سوره منافقون 8)**

### **آنها با پیامبر (ص) مخالفت می کنند**

اطاعت از پیامبران خداوند "ج" یکی از اوامر مهم قرآن است. یکی از بدترین صفات منافقین نقض همین امر است که با پیامبران مخالفت می کنند و مخالفت با پیامبر (ص) درحقیقت مخالفت با خداوند "ج" می باشد.

ابلیس همچنان با خداوند "ج" در عدم تعظیم او به حضرت آدم (ع) مخالفت کرد یعنی برتری مقام آدم را قبول نکرد. شیطان و منافق هر دو بخاطر عدم پیروی از خداوند "ج" در اوامر او مجازات می شوند. درحقیقت منافقین نمی توانند این امر را درک کنند که پیروی از پیامبران پیروی از خداوند "ج" می باشد (سوره نساء 80). اطاعت از پیامبران یکی از اوامری است که درقرآن برآن بسیار تاکید شده. اگرچه، پیامبر (ص) از جمله انسانها است اما، بخاطر انتقال پیام واقعی دین خداوند "ج" مامور شده است. وظیفه انسانها اطاعت بی چون وچرا از آنها می باشد. خداوند "ج" چنین می فرماید:

**ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر برای این که به فرمان خدا، از وی اطاعت شود. و اگر این مخالفان، هنگامی که به خود ستم میکردند (و فرمانهای خدا را زیر پا میگذارند)، به نزد تو میآمدند؛ و از خدا طلب آمرزش میکردند؛ و پیامبر هم برای آنها استغفار میکرد؛ خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند. (سوره نساء 64)**

کسانیکه از پیامبران اطاعت نمی کنند درقرآن بی ایمان تلقی می شوند:

به پروردگارت سوگند که آنها مؤمن نخواهند بود، مگر اینکه در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند؛ و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند؛ و کاملاً تسلیم باشند. (سوره نساء 65)

قبلاً ذکر کردیم که طغیان شیطان و منافق شباهت دارد. به همین ترتیب، مومنین و ملایک نیز شباهت دارند. زمانی که برای ملایک بخاطر سجده به آدم امر شد آنها کاملاً به این امر تسلیم شدند. در قرآن تفاوت شیطان با ملایک به شکل ذیل بیان شده:

و (یاد کن) هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده و خضوع کنید!» همگی سجده کردند؛ جز ابلیس که سر باز زد، و تکبر ورزید، (و به خاطر نافرمانی و تکبرش) از کافران شد.

(سوره بقره 34)

بطور مشابه، مومنین حقیقی از پیامبر(ص) خداوند "ج" بی چون و چرا اطاعت می کنند. سخنان مومنین در قرآن به شکل ذیل بیان شده:

پیامبر، به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است. (و او، به تمام سخنان خود، کاملاً مؤمن میباشد.) و همه مؤمنان (نیز)، به خدا و فرشتگان او و کتابها و فرستادگانش، ایمان آورده‌اند؛ (و مگویند:) ما در میان هیچ يك از پیامبران او، فرق نمیگذاریم (و به همه ایمان داریم). و (مؤمنان) گفتند: «ما شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! (انتظار) آمرزش تو را (داریم)؛ و بازگشت (ما) به سوی توست.» (سوره بقره 285)

طغیان غیر عقلانی آنها

قبلاً دیدیم که شیطان چگونه بطور غیر منطقی طغیان کرد.

اگر کسی با وجود درک این حقیقت که خداوند "ج" موجودیت دارد و هنوز هم طغیان کند، پس، یکی از اعمال غیر منطقی را انجام داده است. اما، این نوع تفکر فقط به شیطان محدود نمی شود. گروه شیاطین که منافقین اند، نیز این عمل را انجام می دهند. منافقین در تمام اعمال خود از شیطان پیروی می کنند:

کار آنها همچون شیطان است که به انسان گفت: «کافر شو (تا مشکلات تو را حل کنم)!» اما هنگامی که کافر شد گفت: «من از تو بیزارم، من از خداوندی که پروردگار عالمیان است بیم دارم!» (سوره حشر 16)

فکر منافقین با فکر شیطان یکسان است. مثل شیطان، منافقین به خوبی واقف هستند که خداوند "ج" وجود دارد، کتاب، اوامر و پیامبران او نیز حقیقت دارد. حتی بین منافقین کسانی وجود دارد که حافظین قرآن هستند. تمام این افراد که با خداوند "ج" مخالفت می کنند از جمله بدترین مخلوقات حساب می شوند. بخاطریکه آگاهانه این کار را انجام می دهند، شدیدترین مجازات را می بینند. قرآن فریبکاری ها و دروغ منافقین را چنین بیان می کند:



و (نیز) به خاطر آورد زمانی را که منافقان و بیمار دلان میگفتند: «خدا و پیامبرش جز وعده‌های دروغین به ما نداده‌اند!» (سوره احزاب 12)

مثال دیگری که کار شیطان با منافقین یکسان است اینست که منافقین با وجود قبول کردن پیامبران، شاهد نازل شدن قرآن نیز بودند. این منافقین در مورد حقیقت دین یقین هم داشتند. حتی می‌ترسیدند که پیامبر(ص) در مورد آنها از طریق آیات قرآن خبر نشود:

**منافقان از آن بیم دارند که سوره‌های بر ضد آنان نازل گردد، و به آنها از اسرار درون قلبشان خبر دهد. بگو: «استهزا کنید! خداوند، آنچه را از آن بیم دارید، آشکار مسازد!» (سوره توبه 64)**

مثال دیگر از مریضی منافقین در سوره مائده داده شده، منافقین دوره موسی (ع) به حدی مفسد شده بودند که به او گفتند " (بنی اسرائیل): «ای موسی! تا آنها در آنجا هستند، ما هرگز وارد نخواهیم شد! تو و پروردگارت بروید و (با آنان) بجنگید، ما همینجا نشستهایم!» (سوره مائده 24) زمانیکه برای جهاد به آنها امر شد. بطور مشابه، گروه منافقین در زمان رسول الله (ص) نیز در مورد جهاد با کافران وحشت زده بودند. در قرآن چنین ذکر است:

آیا ندیدی کسانی را که (در مکه) به آنها گفته شد: «فعلا) دست از جهاد بدارید! و نماز را برپا کنید! و زکات بپردازید!» (اما آنها از این دستور، ناراحت بودند)، ولی هنگامی که (در مدینه) فرمان جهاد به آنها داده شد، جمعی از آنان، از مردم منترسیدند، همان گونه که از خدا منترسند، بلکه بیشتر! و گفتند: «پروردگارا! چرا جهاد را بر ما مقرر داشتی؟! چرا این فرمان را تا زمان نزدیکی تاخیر نینداختی؟!» به آنها بگو: «سرمایه زندگی دنیا، ناچیز است! و سرای آخرت، برای کسی که پرهیزگار باشد، بهتر است! و به اندازه رشته شکاف هسته خرمایی، به شما ستم نخواهد شد! (سوره نساء 77)

به شکل واضح، عکس العمل های آنها، که در مورد دین خداوند "ج" سوالهای زیادی می‌کردند، غیر صحیح بود. نکته اساسی در این مورد اینست که منافقین نه با موجودیت خداوند "ج" و نه با جهاد در راه او مخالفت کردند، آنها فقط می‌خواستند تا جهاد معطل شود. بطور مثال، (سوره توبه 81) آنها می‌خواستند تا

در شرایط مناسب جهاد را شروع کنند. این نوع خواهش اگرچه در بعضی مواضع مناسب به نظر می‌رسید، درحقیقت بیانگر مریضی قلبی آنها بود. خداوند "ج" در مورد آنها چنین قضاوت می‌کند:

**تخلفجویان (از جنگ تبوك)، از مخالفت با رسول خدا خوشحال شدند؛ و کراهت داشتند که با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد کنند؛ و (به یکدیگر و به مؤمنان) گفتند: «در این گرما، (بسوی میدان) حرکت نکنید!» (به آنان) بگو: «آتش دوزخ از این هم گرمتر است!» اگر مدانستند! (سوره توبه 81)**

این گروه که با رسول الله (ص) مخالفت کردند در پیریشانی بسر می‌بردند. بخطرریکه اوامر رسول الله (ص) بدون در نظر داشت شرایط، باید اطاعت می‌شد. گروه دیگری در زمان رسول الله (ص) آنها را بودند که ادعا کردند خانه‌هایشان با امن نبود و نمی‌توانستند به جهاد بروند:

**و (نیز) به خاطر آورد زمانی را که گروهی از آنها گفتند: «ای اهل یثرب (ای مردم مدینه)! اینجا جای توقف شما نیست؛ به خانههای خود بازگردید!» و گروهی از آنان از پیامبر اجازه بازگشت مخواستند و میگفتند: «خانههای ما بحفاظ است!»، در حالی که بحفاظ نبود؛ آنها فقط مخواستند (از جنگ) فرار کنند. (سوره احزاب 13)**

کسیکه صادقانه به خداوند "ج" تسلیم شده باشد، هیچگاهی برای جهاد در راه خداوند "ج" بهانه نمی‌سازد. مخالفت منافقین در زمان رسول الله (ص) درحقیقت دام شیطان بود که برای آنها ساخته بود.

### **آنها خود را فریب می‌دهند**

یکی از اعمال مخفیانه دیگری منافقین اینست که آنها فکر می‌کنند که خداوند "ج" را فریب داده‌اند. این خودفریبی آنها در قرآن به شکل ذیل بیان شده:

**مخواهند خدا و مؤمنان را فریب دهند؛ در حالی که جز خودشان را فریب نمیدهند؛ (اما) نمفهمند.**

### **(سوره بقره 9)**

در اینجا به یک حقیقت حیرت‌انگیزی می‌رسیم. برای کسیکه فکر می‌کند خداوند "ج" را فریب داده، کسیکه خالق او است، این کاملاً غیر عاقلانه است. بخاطرریکه، خداوند "ج" تنها کسی است که می‌فهمد (سوره فاطر 38) و (سوره طه 7). این نوع طرز تفکر منافقین فقط خود فریبی است. منافقین همیشه ادعا می‌کنند که از خداوند "ج" ترس دارند، اما، طوری عمل می‌کنند که هیچ ترسی در آنها دیده نمی‌شود. یکی از خصوصیات شیطان همین است که با وجود ترس از خداوند "ج" اعمال زشتی را انجام می‌دهد.

این فکر منافقین آنها را وادار می‌سازد تا کوشش کنند خداوند "ج" را فریب دهند. در مقابل صدقه در راه خداوند "ج" آنها همیشه اجر دنیوی می‌خواهند یعنی افزایش دارایی‌شان. زمانیکه خداوند "ج" سرمایه آنها را از دیداد بخشد پس وعده خلافتی می‌کنند.

بعضی از آنها با خدا پیمان بسته بودند که: «اگر خداوند ما را از فضل خود روزی دهد، قطعاً صدقه خواهیم داد؛ و از صالحان (و شاکران) خواهیم بود!»

اما هنگامی که خدا از فضل خود به آنها بخشید، بخل ورزیدند و سرپیچی کردند و روی برتافتند!  
(سوره توبه 75-76)

آنها فکر می کنند که خداوند "ج" را بازی داده اند. اما برعکس خداوند "ج" به شدت آنها را مجازات می کند. وضعیت کسانی که خواهشات نفسانی را تعقیب می کنند و درحقیقت آخرت خود را خراب می کنند، درقرآن به شکل ذیل بیان شده:

این عمل، (روح) نفاق را، تا روزی که خدا را ملاقات کنند، در دل‌هایشان برقرار ساخت. این بخاطر آن است که از پیمان الهی تخلف جستند؛ و بخاطر آن است که دروغ میگفتند. (سوره توبه 77)

### آنها تعبيرات غلط ايجاد می کنند

کلمه عربی "تاویل" به مفهوم تعبیر و تفسیر می باشد. مفهوم دیگر آن عبارت از عدم قبول کردن اشتباه بر اثر بی اعتنائی است و بعداً بخاطر توجیه کارهای خود بهانه ساختن است. اولین کسی که این کار را انجام داد شیطان بود. منافقین دقیقاً مثل شیطان عمل می کنند یعنی کارهای خود را توجیه می کنند. (قصه شیطان و آدم)

اقدامات آنها برای دفاع و توجیه خود همیشه با خشونت صورت می گیرد. جواباتی را طرح می کنند که کاملاً از وضعیت حقیقی دور می باشد. کسانی که تعبیرهای غلط می کنند همیشه از سخنان شان به خوبی معلوم می شود. آنها کوشش می کنند که خود را براه راست نشان دهند. در نتیجه، آنها هیچگاهی نمی توانند تصویر حقیقی خود را پنهان کنند و مومنین واقعی بسیار به آسانی آنها را شناسایی می کنند. غیر صادقانه بودن منافقین در بسیاری از آیات قرآن ذکر است، بطور مثال، منافقین زمان رسول الله (ص)، بعضی آنها ادعا کردند که در زمان جنگ خانه های شان کسی نمی ماند (سوره احزاب 13)، بعضی آنها موسم خراب را بهانه کردند (سوره توبه 81)، بعضی آنها خواستند تا جهاد معطل شود (سوره نساء 77) و بعضی آنها گفتند که اگر امکانات کافی می داشتند پس در جهاد شامل می شدند (سوره توبه 42)، فقط چند مثالی از منافقین است. هر بهانه که باشد، کسانی که راه خداوند "ج" را تعقیب نمی کنند درحقیقت هیچ ایمانی ندارند. خداوند "ج" این حقیقت را درقرآن چنین بیان می کند:

## (سوره توبه 44-45)

وضعیتی که در این آیه بیان شده، نشان دهنده شیوه دیگری است که منافقین درک درست ندارند. بخاطریکه، هر آن کسیکه تعبیر های غلط درباره دین می کند فقط خود را بازی می دهد. درحقیقت آنها هیچگاهی نمی توانند خداوند "ج" را فریب دهند. خداوند "ج" درقرآن درباره این موضوع چنین می فرماید:

آیا ندیدی کسانی را که خودستایی میکنند؟! (این خود ستاییها، بارزش است؛) بلکه خدا هر کس را بخواهد، ستایش میکند؛ و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد. (سوره نساء 49)

### آنها تصور می کنند که با آنها بی عدالتی صورت گرفته

دلیلی که شیطان درمقابل حضرت آدم (ع) سجده نکرد این بود که او تصور می کرد با او بی عدالتی صورت گرفته. منافقین درست همین ادعا دارند. این وضعیت آنها درقرآن به شکل ذیل بیان شده:

آیا در دل های آنان بیماری است، یا شك و تردید دارند، یا مترسند خدا و رسولش بر آنان ستم کنند؟! نه، بلکه آنها خودشان ستمگرند! (سوره نور 50)

### آنها به شکل فزیکری رنج می بینند

شیطان باعث می شود که منافقین رنج شدید فزیکری تحمل کنند. بخاطریکه آنها تعادل روانی ندارند به آسانی مورال خود را از دست می دهند. درنتیجه علامات آن درچشم های شان دیده می شود هرکس آنها را ببیند فکر می کند که تکلیف روانی دارند.

هیجان شدید، ترس، اضطراب و بی قراری تمام اینها احساسات متضادی اند که درچهره ها و فزیک شان مشاهده می شود. وضعیت روانی آنها که بر اثر تلقین شیطان ساخته شده، سستم محافظتی بدن (immune system) را تضعیف کرده. بسیاری وقت ها وضعیت های شان آشفته می باشد. چهره های شان که لبخند دروغین دارد به آسانی فهمیده می شود. درقرآن چنین بیان شده:

و اگر ما بخواهیم آنها را به تو نشان مدهیم تا آنان را با قیافه هایشان بشناسی، هر چند مستوانی آنها را از طرز سخنانشان بشناسی؛ و خداوند اعمال شمارا مداند! (سوره محمد 30)

### آنها فکر می کنند که راه شان حقیقی است

برعلاوه مفکوره فاسد و منطق غلط، منافقین یکی از خصوصیات دیگری شیطان را درخود دارند. منافقین فکر می کنند که راه آنها راه حقیقی است. اینکه چرا آنها این فکر را می کنند درقرآن ذکر شده.

منافقین در حقیقت با شیطان دوستی اختیار کرده اند و کسیکه دوست شیطان شود حتماً تحت تاثیر او می آید. این تاثیر به حدی شدید است که منافقین فکر می کنند براه راست هستند. خداوند "ج" در قرآن چنین می فرماید:

و هر کس از یاد خدا روگردان شود شیطان را به سراغ او میفرستیم پس همواره قرین اوست!  
و آنها (شیاطین) این گروه را از راه خدا بازمدارند، در حالی که گمان میکنند هدایت یافتگان حقیقی آنها هستند!

### (سوره زخرف 36-37)

جمعی را هدایت کرده؛ و جمعی (که شایستگی نداشتهاوند)، گمراهی بر آنها مسلم شده است. آنها (کسانی هستند که) شیاطین را به جای خداوند، اولیای خود انتخاب کردند؛ و گمان میکنند هدایت یافتهاوند!  
(سوره اعراف 30)

در آیات مختلف مشاهده خواهیم کرد که منافقین هیچگاهی اشتباه خود را قبول نخواهند کرد. برعکس، آنها ادعا خواهند کرد که بنام دین و خدا "ج" عمل کرده اند، حتی بنام خداوند "ج" قسم خواهند خورد. در حقیقت آنها از وضعیت خود به خوبی آگاه نیستند. قدرت تعقل آنها به حدی آشفته است که حتی در روز قیامت نیز برای دفاع خود قسم خواهند خورد:

(به خاطر بیاورید) روزی را که خداوند همه آنها را برمانگیزد، آنها برای خدا نیز سوگند (دروغ) یاد میکنند همانگونه که (امروز) برای شما یاد میکنند؛ و گمان میکنند کاری میتوانند انجام دهند؛ بدانید آنها دروغگویناند! (سوره مجادله 18)

منافقین از این امر بی خبر هستند که شیطان بنام خداوند "ج" آنها را فریب داده است. از حقیقت این امر فقط در روز قیامت آگاه خواهند شد. گفتگوی مومنین با منافقین در آخرت به شکل ذیل در قرآن ذکر است:

روزی که مردان و زنان منافق به مؤمنان مگویند: «نظری به ما بیفکنید تا از نور شما پرتوی بگیریم!»  
به آنها گفته میشود: «به پشت سر خود بازگردید و کسب نور کنید!» در این هنگام دیواری میان آنها زده میشود که دری دارد، درونش رحمت است و برونش عذاب! (13)

آنها را صدا میزنند: «مگر ما با شما نبودیم؟!» مگویند: «آری، ولی شما خود را به هلاکت افکندید و انتظار (مرگ پیامبر را) کشیدید، و (در همه چیز) شك و تردید داشتید، و آرزوهای دور و دراز شما را فریب داد تا فرمان خدا فرا رسید، و شیطان فریبکار شما را در برابر (فرمان) خداوند فریب داد!

### (سوره حدید 13-14)

## شیطان بسیار ضعیف است

یکی از حقیقت های مهم درباره شیطان که همیشه باید در نظر گرفت اینست که شیطان هیچ قدرت مستقل از خداوند "ج" ندارد. خداوند "ج" او را خلق کرده و تحت کنترل خود درآورده. دشمنی شیطان با انسان بخاطر امتحان است. کسانی که فکر می کنند شیطان دارای قدرت مستقل است اشتباه می کنند. دلیلی که شیطان نمی خواهد مردم بر اساس او امر خداوند "ج" زندگی کنند این است که او می فهمد فقط از همین طریق می تواند مردم را بتباهی بکشاند. در نتیجه، هر آن زمانیکه مهلت شیطان ختم شود او با تمام پیروان اش به عذاب شدید گرفتار خواهد شد.

**که جهنم را از تو و هر کدام از آنان که از تو پیروی کند، پر خواهم کرد!» (سوره ص 85)**

حقیقت دیگر اینست که شیطان درمقابل مومنین بسیار ضعیف است. شیطان تنها بر کسانی قادر است که خداوند "ج" در تقدیر آنها دوزخ نوشته است. شیطان نمی تواند آن کسی را که خداوند "ج" مومن خلق کرده ، گمراه کند. شیطان فقط باعث می شود تا مومن در این دنیا اشتباهات جزئی مرتکب شود. شیطان تنها کسانی را گمراه می کند که در قلب های شان مرض است و قرآن به شکل ذیل درباره آنها ذکر کرده:

چرا که او، بر کسانی که ایمان دارند و بر پروردگارشان توکل میکنند، تسلطی ندارد.

تسلط او تنها بر کسانی است که او را به سرپرستی خود برگزیده‌اند، و آنها که نسبت به او ( خدا ) شرك مورزند (و فرمان شیطان را به جای فرمان خدا، گردن منهند)

**(سوره نحل 99-100)**

درآیه دیگر ذکر شده که شیطان نمی تواند مومنین را گمراه کند:

**(اما بدان) تو هرگز سلطه‌ای بر بندگان من، نخواهی یافت (و آنها هیچگاه به دام تو گرفتار**

**نمیشوند)! همین قدر کافی است که پروردگارت حافظ آنها باشد.» (سوره اسراء 65)**

چون شیطان به مثل انسانها یک مخلوق است و مثل سایر مخلوقات خداوند "ج" خلقت او یک حکمت دارد. بطور مثال در روز قیامت زمانیکه تمام پیروان شیطان با او یکجا به دوزخ بروند، در آن صورت درجه مومنین که آنها شکر خداوند "ج" را بجا کردند، بسیار بلند می شود. منافقین که از طرف شیطان گمراه شده اند در آن روز از مومنین جدا خواهند شد. بر علاوه ، در آن روز ایمان مومنین ، بعد از اینکه حقیقت شیطان و تمام پیروان او را که در قرآن بیان شده بود مشاهده کنند، قویتر می شود.

**هدف این بود که خداوند القای شیطان را آزمونی قرار دهد برای آنها که در دل‌هایشان بیماری است، و آنها که سنگدلند؛ و ظالمان در عداوت شدید دور از حق قرار گرفتند!**

و (نیز) هدف این بود که آگاهان بدانند این حقی است از سوی پروردگارت، و در نتیجه به آن ایمان بیاورند، و دل‌هایشان در برابر آن خاضع گردد؛ و خداوند کسانی را که ایمان آوردند، بسوی صراط مستقیم هدایت میکند.

### (سوره حج 53-54)

بناءً، اعمال منافقین باعث می شود تا جامعه مومنین کاملاً پاک شود. مهلتی که برای شیطان داده شده حکمت خداوندی را نشان می دهد. خداوند "ج" در قرآن این حقیقت را به شکل ذیل بیان می کند:

(آری) بیقین، ابلیس گمان خود را درباره آنها محقق یافت که همگی از او پیروی کردند جز گروه اندکی از مؤمنان!

او سلطه بر آنان نداشت جز برای اینکه مؤمنان به آخرت را از آنها که در شك هستند باز شناسیم؛ و پروردگار تو، نگاهبان همه چیز است! (سوره سبأ 20-21)

نکته دیگری که جوامع جاهل از آن بی خبر هستند اینست که شیطان هیچ گاهی آنها را مجبور کرده نمی تواند. او تنها تلقین می کند. اگر شخصی در قلب خود مرض داشته باشد، پس، درمقابل تلقین شیطان بسیار ضعیف می باشد. شیطان می فهمد کسانی که از او پیروی می کنند درحقیقت، کاملاً درجهالت بسر می برند. آخرین اعتراف که شیطان به پیروان خود در روز قیامت می کند در قرآن چنین بیان شده:

و شیطان، هنگامی که کار تمام میشود، مگوید: «خداوند به شما وعده حق داد؛ و من به شما وعده (باطل) دادم، و تخلف کردم! من بر شما تسلطی نداشتم، جز اینکه دعوتتان کردم و شما دعوت مرا پذیرفتید! بنابر این، مرا سرزنش نکنید؛ خود را سرزنش کنید! نه من فریادرس شما هستم، و نه شما فریادرس من! من نسبت به شرك شما درباره خود، که از قبل داشتید، (و اطاعت مرا همردیف اطاعت خدا قرار دادید) بیزار و کافر!» مسلمانان عذاب دردناکی دارند! (سوره ابراهیم 22)

فرشتگان عرض کردند:  
«منزهی تو! ما چیزی جز آنچه به ما تعلیم داده‌ای،  
نمدانیم؛ تو دانا و حکیمی.»

(سوره بقره ، 32)





